

سنجش و اعتباریابی مدل مدیریت بحران اجتماع محور بر اساس تکنیک سوآرا (مورد شناسی: استان کرمان)

اسما صالحی نودز (دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، گرایش توسعه منابع انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران)

نور محمد یعقوبی (استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران)

عالمه کیخا* (استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران)

چکیده

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۱ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱ شهریور ۱۴۰۰

صفحات: ۲۲۰-۱۸۹

از جمله تهدیدهای بالقوه‌ای که همواره سلامتی و دارایی افراد جامعه را مورد هدف قرار داده، وقوع حوادث و بلایای طبیعی است. مدیریت بحران جامعه محور یکی از رویکردهای مدیریتی است که برای کاهش خطرات ناشی از سوانح و بحران‌ها در جوامع در معرض خطر به کار گرفته می‌شود. در این رویکرد، مردم در بطن تصمیم‌گیری قرار داشته و در فعالیتهای علمی و اجرایی مربوط به مدیریت بحران مشارکت داده می‌شوند. هدف از انجام این پژوهش، سنجش و اعتباریابی مدل مدیریت بحران اجتماع محور بر اساس تکنیک سوآرا در استان کرمان است. روش تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و براساس روش اجرا، توصیفی-پیمایشی مبتنی بر مدل سازی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش عبارت است از: صاحب نظران، مدیران و کارشناسان ستاد بحران استانداری و هلال احمر استان کرمان به تعداد ۱۷۰ نفر که بر اساس فرمول کوکران و با احتساب خطای ۰/۰۵، ۱۱۸ نفر به روش تصادفی ساده به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. به منظور جمع آوری اطلاعات، از ابزار پرسشنامه استفاده شد که روایی با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی و پایایی با روش پایایی ترکیبی برابر با ۰/۸۹۴ و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲۴ مورد تأیید قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مدل سازی معادلات ساختاری در محیط نرم افزار Smart PLS نسخه دو استفاده شد. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که ابعاد قبل، حین و پس از بحران به ترتیب ۹۹ درصد و ۹۸ درصد و ۹۸ درصد از تغییرات الگوی مدیریت بحران اجتماع محور را تبیین می‌کنند. به منظور اولویت بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش نیز از تکنیک سوآرا استفاده شد. نتایج نشان داد مؤلفه‌های آموزش عمومی، مشارکت عملی و مشارکت اجتماعی به ترتیب با اوزان نهایی ۰/۴۲، ۰/۳۵، ۰/۲۷ بیشترین تأثیر را بر مدیریت بحران اجتماع محور دارند.



کلید واژه‌ها:

مدیریت بحران، مدیریت بحران اجتماع محور، تکنیک سوآرا، استان کرمان.

* نویسنده مسئول: دکتر عالمه کیخا

پست الکترونیک: aleme.keikha@entp.usb.ac.ir

مقدمه

جدایی ناپذیر فرایند مدیریت بحران هستند، تأثیر شگرفی بر کاهش آسیب پذیری و خسارات ناشی از حوادث ندارند (Hosseini et al, 2017: 63). حال آنکه مدیریت بحران اجتماع محور^۳، شهروندان و مردم محلی را به عنوان مرکز اصلی تصمیم گیری، برنامه ریزی، سیاست گذاری و اجرای مدیریت بحران در نظر می گیرد. در این رویکرد، پیشنهادات اجرایی در زمینه مدیریت بحران بیش از هر چیز دیگر به توانمندسازی مردم محلی و ظرفیت سازی در نهادها و سازمان های محلی به منظور مشارکت هرچه بیشتر مردم اشاره دارد و این همان چیزی است که این رویکرد را از سایر رویکردهای مرتبط با مدیریت بحران مجزا می سازد (رضایی راد و کاظمی، ۱۳۹۹: ۶۳).

کشور ایران از نظر بلایای طبیعی به دلیل موقعیت جغرافیایی و تنوع اقلیمی به عنوان یکی از آسیب پذیرترین کشورهای جهان شناخته می شود (Mousavi et al, 2018: 187). وقوع سیل های مختلف، طوفان، خشکسالی و... طی سال های گذشته تلفات جانی و مالی بسیاری برای کشور به ارمغان آورده است (Ajami & fatahi, 2009: 150). با توجه به اینکه حدود ۸۶ درصد از خاک کشور در مناطق زلزله خیز واقع شده اند و بخش عمده ای از درآمد ناخالص ملی کشور صرف جبران هزینه های ناشی از بلایا می شود، بلایای طبیعی تنها در طی ۷ سال گذشته بیش از هزار و هفتصد و پنجاه میلیارد ریال خسارت به کشور وارد کرده اند (درودی و سپهری فر، ۱۳۹۸: ۴۵). با توجه به اینکه سیستم مدیریت بحران کشور به دلیل مواجهه با بلایای طبیعی متعدد، تجربه لازم را در این زمینه داراست و معمولاً با استفاده از سازمان های مردم نهاد، بسیج مردمی و هلال احمر به کنترل بلایا می پردازد (Mousavi et al, 2018: 187)؛ اما متأسفانه در این

زندگی میلیون ها نفر در سراسر جهان تحت تأثیر بلایای طبیعی^۱ قرار دارد؛ وقوع این حوادث هزینه های هنگفت اقتصادی و اجتماعی به دنبال داشته و توسعه کشورهای را با مشکل مواجه می سازد. با وجود تلاش های صورت گرفته برای کاهش آسیب پذیری، خطرات ناشی از آن همچنان در حال افزایش است (Mal et al, 2018: 1). بلایای طبیعی پتانسیل ایجاد بحران های بزرگ را به دلیل ضعف در برنامه ریزی و آسیب پذیری بالای جوامع انسانی دارا هستند (Andharia, 2020: 33). هیچ جامعه ای نمی تواند مدعی ایمن بودن از مخاطرات طبیعی را داشته باشد و انسان ها همواره با تأثیرات ذهنی و عینی مخاطرات مواجه هستند (ترکرانی و مرادی نژاد، ۱۳۹۹: ۱۴۷). مخاطرات طبیعی در بسیاری از موارد تأثیرات مخربی بر جوامع انسانی می گذارد و پیامدهای وقوع این پدیده ها، بروز تغییرات در شرایط زیست محیطی است که این به نوبه خود به گسسته شدن روند زندگی عادی مردم و بروز تأثیرات مخرب بر سکونتگاه هایشان می انجامد و خسارات اقتصادی و اجتماعی گسترده ای را بر جوامع تحمیل می کند (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱). در سال های اخیر، مدیریت بحران^۲ از نگرش سنتی مبتنی بر توجه به مرحله بعد از بحران و در جهت کاهش تلفات انسانی به نگرش های دیگری نظیر پیش بینی و آمادگی در برابر بحران روی آورده است (Ostadtaghizadeh et al, 2015: 7). در حال توسعه به دلیل مشکلات ساختاری و نهادی موجود، مدیریت بحران در مرحله قبل و آمادگی فقط به برنامه ریزی برای واکنش و مقابله توجه دارد که عمدتاً شامل اقداماتی مانند شبیه سازی بحران ها از طریق برگزاری مانور است. اگرچه این اقدامات جزء

1 . natural disaster
2 .Crisis management

3 . Community-based crisis management

مبانی نظری پژوهش

سکونتگاه‌های بشری همواره در معرض بلایای طبیعی قرار داشته‌اند، اما آنچه منجر به بحران می‌شود، وقوع چنین حوادثی در بستری از اجتماعات است که به دلیل ناآگاهی مردم و ناتوانی در مواجهه و برخورد با آن، به شدت آسیب‌پذیر شده‌اند (رضایی‌راد و کاظمی، ۱۳۹۹: ۶۳). مطابق با اطلاعیه سازمان ملل متحد، بلایا در سال‌های اخیر ۶۰۰ میلیارد دلار به کشورهای مختلف خسارت وارد کرده و بر بیش از ۳ میلیارد نفر تأثیر گذاشته که از این تعداد بیش از ۷۵۰ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند (بذرافشان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۹). در واقع جهان با حوادث بسیاری روبه‌رو است که بر سلامتی انسان و محیط‌زیست تأثیر می‌گذارد (Son & Thanh, 2018: 81)؛ بنابراین باید میان حوادث با دخالت بشر و حوادث طبیعی تمایز قائل شد (Rosenthal & Charles, 1989: 32).

بنابراین حوادث طبیعی را می‌توان شامل بروز پدیده‌هایی چون سیل و باران شدید، آتش‌سوزی، بارش برف فراوان، بهمن، گردبادها، زمین‌لرزه، فوران آتشفشان و بحران‌های حاصل از فناوری، شامل حوادث مرتبط با برق، صنعت، حوادث هسته‌ای، خراب‌شدن سد، حمل‌ونقل کالاهای خطرناک و انتشار گاز سمی در نظر گرفت (Gupta et al, 2002: 271). واژه «بحران» اغلب به مفهوم آشفتگی، آشوب و تلاطم به کار می‌رود که معادل واژه انگلیسی Crisis بوده و ریشه یونانی آن به معنای نقطه عطف در بیماری است. این واژه بیش از ۵ قرن پیش مطرح شد و اولین ساختار رسمی مقابله با بحران در جهان برای مقابله با فاجعه، اطفای آتش‌سوزی بزرگ لندن در سال ۱۶۶۶ میلادی است. بحران به‌عنوان یک حالت غیرعادی، عدم تعادل گسترده و اختلال جدی تعریف می‌شود (Girard et al, 2006: 116) که شرایط عادی جامعه را مختل می‌کند

زمینه موفقیت چندان‌ی نداشته است و با استانداردهای جهانی فاصله بسیار زیادی دارد. اگرچه انتظار زندگی در یک محیط بدون خطر غیرواقعی است، اما می‌توان با به‌کارگیری استراتژی‌های مناسب پیش‌بینی و مدیریت صحیح بحران، موجب کاهش خطر و آسیب‌پذیری شد (Boukri et al, 2018: 555; Robot). بنابراین مسئله برنامه‌ریزی و مدیریت بحران برای کاهش خسارات ناشی از بلایای طبیعی و سایر بحران‌های اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است (Hosseini et al, 2013: 1).

در بین استان‌های کشور، کرمان یکی از بلاخیزترین استان‌ها محسوب می‌شود. کرمان در کنار ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زیادی که در حوزه‌های تاریخی، گردشگری، معدن، صنعت و کشاورزی دارد، از نظر میزان بروز حوادث طبیعی و غیرمترقبه در رده‌های نخست کشوری قرار گرفته است. از ویژگی‌های این استان می‌توان به وسعت قابل توجه، وجود پستی و بلندی‌ها و شرایط خاص اقلیمی در نواحی مختلف اشاره کرد؛ از این‌رو همه فعل و انفعالات خشن و پیچیده طبیعی مربوط به آب‌وهوای خشک و کویری نظیر سرما و گرمای شدید، صاعقه، طوفان، سیلاب و... را دارد. از سوی دیگر براساس گزارشات کمیته اطلاع‌رسانی ستاد مدیریت حوادث استان کرمان، این استان با داشتن ۱۸ گسل فعال جزو لرزه‌خیزترین استان‌های کشور است و وقوع زلزله‌هایی با شدت کمتر از ۳ ریشتر در این استان بسیار محتمل است و زمین لرزه‌های شدیدتر نیز در بازه‌های زمانی سالانه و ماهانه رخ می‌دهد (رحیمی و افشاری‌پور، ۱۳۹۷: ۶۵)؛ بنابراین مخاطرات طبیعی فراوانی در استان شایع بوده و هر ساله خسارات فراوان جانی و مالی برای مردم منطقه به بار می‌آورد و این امر ضرورت به‌کارگیری رویکرد از پایین به بالا در مدیریت بحران در راستای کاهش آسیب‌پذیری را نشان می‌دهد.

باور براسارد⁴ دانش مدیریت بحران مجموعه فعالیت هایی است که قبل، حین و بعد از وقوع بحران به منظور کاهش آسیب‌ها و اثرات ناشی از حوادث به کار گرفته می‌شود (Brassard et al, 2015: 1). این دانش، بسیار پیچیده است و به تحلیل فرایندهای اساسی و علل ریشه‌ای می‌پردازد (Jensen & Aven, 2018: 169). در تعریفی دیگر، مدیریت بحران، مجموعه‌ای از فرایندها برای شناسایی، مطالعه و پیش‌بینی حادثه و همچنین روش‌های مشخص برای جلوگیری یا کنار آمدن با بحران را شامل شده (Kash & Darling, 1998:179) و مستلزم استفاده هم‌هنگ از منابع مادی و انسانی در سطوح ملی و بین‌المللی است (Uekusa, 2017:127; pongponrat & Ishi, 2018: 133; Mallick et al, 2011: 220). این هماهنگی شامل فعالیت‌های همه افراد و گروه‌ها برای جلوگیری یا به حداقل رساندن اثرات ناشی از فاجعه است (Wojciechowicz et al, 2012: 101). جاکوس⁵ مدیریت بحران را پیشگیری، برنامه‌ریزی و ارزیابی برای کاهش و به حداقل رساندن عواقب احتمالی بحران‌ها می‌داند که از طریق برنامه‌ریزی حاصل می‌شود و به‌طور کلی برای مقابله با بلایا و کاهش آسیب‌های واقعی ناشی از آن طراحی شده است (Coombs & Laufer, 2019: 199) و هدف آن پیش‌بینی خطرات و فاکتورهای منجر به بحران، برنامه‌ریزی و آمادگی برای مقابله با بحران‌های احتمالی، ارائه راهکارهای مناسب برای رفع شرایط بحران‌زا و درنهایت ایجاد شرایط مناسب است (Jaques, 2007: 147). مدیریت بحران دربرگیرنده چهار عنصر اساسی: پیشگیری، آمادگی، واکنش و بازسازی است که این چهار رکن در رویکردی سه مرحله‌ای شامل قبل، حین و پس از بحران گنجانده می‌شوند (Coombs & Laufer, 2019:199) که هر

(Allen, 2006: 81) و پیامدهای اساسی برای جوامع به‌دنبال دارد (Gundel, 2005: 106) و موجب سردرگمی و حیرت افراد شده، قدرت واکنش را از آن‌ها سلب کرده و درنهایت تحقق اهدافشان را به خطر می‌اندازد (Herman, 1963: 61). در همین رابطه از دیدگاه مازارو¹، بحران تغییر جهت و چرخه دوره است که در آن آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد. الکساندر² بحران را رویداد یا واقعه ناگهانی دانسته که با آسیب‌های جانی و مالی گسترده همراه بوده و نیازمند انجام اقدامات فوری است. به باور فید³، بحران رویدادی غیرمعمول و دور از انتظار است که موجب عدم اطمینان می‌شود و تهدیدی برای اهداف مطلوب انسانی است. در مجموع بحران را می‌توان وضعیتی غیرعادی و ناگهانی دانست که در نتیجه بروز حوادث طبیعی یا غیرطبیعی رخ می‌دهد؛ به طوری که باعث درهم‌ریختگی شدید زیست‌محیطی و روانی-اجتماعی که بسیار فراتر از ظرفیت انطباقی جامعه باشد، می‌شود (زربین، ۱۳۹۹: ۹۷). همه بحران‌ها، چه طبیعی و چه انسان‌ساخت، در یک موضوع اشتراک دارند و آن عملکرد مدیریت بحران برای بازگشت به وضعیت عادی و همچنین به حداقل رساندن آسیب‌ها به روش ایمن و مؤثر است (Vardarlier, 2016: 463). بدین منظور برای مهار و کاهش تلفات و خسارات ناشی از بحران‌ها، وجود سیستم مدیریت بحران ضروری است (پاکباز خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۱۲۵). مدیریت بحران به‌عنوان فرایندی تعریف می‌شود که سعی در تشخیص احتمال وقوع حوادث و همچنین طراحی و توسعه اقدامات برای جلوگیری از بحران یا وقوع حوادثی که در حال تبدیل شدن به بحران هستند و به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از بحران دارد (MG, 2018: 1). به

4 . Brassard
5 . Jaques

1 . Mazarro
2 . Alexander
3 . Fid

در رابطه با مدیریت بحران، چهار رویکرد: بحران‌گریزی، بحران‌ستیزی، بحران‌پذیری و رویکرد اجتماع‌محور وجود دارد (موهبتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۵). مدیران بحران‌گریز از راهبرد انفعالی و کنشی در برابر بحران‌ها استفاده کرده و هیچ آمادگی قبلی و برنامه‌ مشخصی برای مقابله با بحران ندارند. رویکرد بحران‌ستیزی، بحران را به‌عنوان پدیده‌ای طبیعی می‌داند و با راهبردی فعال به مقابله با آن می‌پردازد و از همه‌توان و ظرفیت موجود برای پیش‌بینی بحران قبل از وقوع استفاده می‌شود (روشندل اربطانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۳). در رویکرد بحران‌پذیری علاوه بر پذیرش بحران به‌عنوان امری محتوم به پیش‌بینی، با اتخاذ راهبردی فوق‌فعال بر کشف فرصت‌های جدید و چشم‌اندازهای نو تأکید می‌شود (موهبتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۵). رویکرد اجتماع‌محور که جدیدترین رویکرد در مدیریت بحران است، بر لزوم مشارکت مردم محلی در همه‌فرایندهای مدیریت بحران برای حل بحران‌های ناشی از بلایای طبیعی تأکید دارد (رفیعیان و مطهری، ۱۳۹۱: ۵). به‌طور کلی بررسی مباحث مربوط به مدیریت بحران، گویای این مطلب است که مدیریت بحران در تغییر پارادایمی، از تمرکز بر مقابله و بازسازی به سمت پارادایم جدید مبتنی بر مشارکت مردمی حرکت کرده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۷). در پارادایم اول (تکنولوژی‌محور) هیچ جایگاهی برای اثربخش‌ترین گروه‌های موجود در مدیریت بحران، یعنی جوامع محلی، در نظر گرفته نشده است و همه‌مراحل برنامه‌ریزی، خط‌مشی‌گذاری، هماهنگی، کنترل و سازماندهی دولتی انجام می‌شود و حتی اگر نقشی برای جوامع محلی در نظر گرفته شود، نقش انفعالی خواهد بود (Marsh et al, 2001: 5) و اقدامات واکنشی به بلایا به‌صورت یک ساختار دستوری-کنترلی که حالت بالا به پایین دارد، انجام می‌گیرد (عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷). در پارادایم نوین یا

مرحله تأثیر قابل‌توجهی بر مرحله بعد دارد (Tokakis et al, 2019: 37). در مرحله قبل از بحران، انجام اقدامات مرتبط با پیشگیری و آمادگی مورد توجه است؛ درواقع پیش‌بینی مخاطرات احتمالی باعث آمادگی هرچه‌بیشتر جامعه در زمان بروز سوانح می‌شود؛ در صورتی که در گذشته مدیریت بحران بیشتر به جنبه‌های امداد و نجات و بازسازی پس از بحران مربوط می‌شد و سایر ابعاد آن، از جمله پیشگیری و آمادگی نادیده گرفته می‌شد (Unlu et al, 2015: 155). از منظری دیگر و از دیدگاه مدیریتی نیز برای اتخاذ تصمیم صحیح و مناسب، به داده‌ها، اطلاعات، امکان‌پردازش و تحلیل نیاز است و منبع اصلی این موارد تنها قبل از وقوع بحران‌ها در اختیار است و اگر برنامه‌ریزی و اقدام مناسب در مرحله قبل از وقوع انجام نگیرد، شاهد بحران جدیدی در دل بحران ایجادشده خواهیم بود (مختاری و قربانی، ۱۳۹۷: ۷۳). هرچقدر کشور در بخش پیشگیری هزینه کند، در مرحله مقابله و بازسازی هزینه‌های کمتری را متحمل خواهد شد؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین اصول مدیریت بحران، پیش‌بینی و آمادگی در برابر بحران‌های احتمالی است و به همین دلیل است که بیش از ۳۰ درصد بودجه مدیریت بحران کشور به این مرحله تخصیص داده شده است (زربین، ۱۳۹۹: ۹۷). مرحله بعد در فرایند مدیریت بحران، دربرگیرنده پاسخگویی و امدادسانی است و هدف به‌حداقل‌رساندن میزان تلفات، صدمات انسانی و تخریب تأسیسات و دارایی‌ها با برخی اقدامات فوری، مانند اعلام خطر، تخلیه منطقه خطر، جست‌وجو و انتقال قربانیان به مناطق امن است. مرحله سوم شامل اقدامات مرتبط با بهبودی و بازتوانی به‌منظور عادی‌سازی اوضاع بحرانی است و بایستی به بهسازی، بازسازی و بازتوانی توجه شود (Tokakis et al, 2019: 37).

اجتماع محور، علاوه بر شناسایی خطرات تهدیدکننده توسط ساکنان محلی، تلاش می‌شود تا افراد و گروه های فعال و مؤثر جوامع به فعالیت و ایفای نقش در همه مراحل چرخه بحران فراخوانده شوند (Falk, 2013). در واقع هدف اصلی این رویکرد، درگیر کردن افراد بومی و محلی در همه فرایندهای سیاست گذاری، هماهنگی، کنترل و سازماندهی مدیریت بحران با هدایت دولت است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۷) و این باور عمومی را که مسئولیت کمک به اجتماعات آسیب دیده تماماً بر عهده کمک‌های بیرونی و نیروهای دولتی است را نمی‌پذیرد؛ بلکه بر این باور است که بایستی جمعیت محلی آسیب دیده به عنوان افرادی که توانایی عمل و مشارکت دارند، در نظر گرفته شوند، نه افرادی که ناتوان هستند و باید به آن‌ها کمک کرد؛ از این رو این رویکرد از همکاری و مشارکت محلی استقبال می‌کند و خواهان تقویت مشارکت محلی از طریق توانمندسازی افراد و گروه‌ها است (عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷). نتایج این تغییر پارادایمی کاهش مرگومیر و کاهش ضررهای مالی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه بوده است (Haque & Uddin, 2013: 103)؛ بنابراین گستردگی و تعداد رخداد بلایای طبیعی همراه با جمعیت بی‌شماری که در معرض آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از آن قرار دارند، موجب شده است تا استفاده از رویکرد جامعه محور در مدیریت بحران و بلایای طبیعی به عنوان یکی از راهکارهای ارزشمند برای مقابله با بحران در دنیا پذیرفته شود (Schneiderbauer & Ehrlich, 2004: 40). این رویکرد به جوامع این امکان را می‌دهد تا در زمینه مدیریت بحران فعال باشند و آن‌ها را قادر می‌سازد که استراتژی مناسب را با توجه به شرایط خود انتخاب کرده و منتظر سازمان‌های دولتی و غیردولتی نمانند (Haque & Uddin, 2013; Jahangiri et al,)

۱ کانن^۱ (۲۰۱۴) به عنوان یکی از محققان در حیطه مدیریت بحران، رویکرد اجتماع محوری را به عنوان فرایندی می‌داند که در آن جوامع و شهروندان به گونه‌ای توانمند می‌شوند که آسیب پذیری شان به حد قابل توجهی کاهش یافته و ظرفیت شان در برابر حوادث غیرقابل پیش بینی ارتقا می‌یابد (Cannon, 2014: 35). در میان اهدافی که برای این رویکرد در نظر گرفته شده‌اند، کاهش آسیب پذیری‌ها و ارتقای ظرفیت مردم محلی برای سازگاری با خطرهای ناشی از بلایای طبیعی، اهمیت بیشتری دارد (Azad et al, 2019: 63; Hosseini, 2017: 135). جامعه محلی به عنوان کلید اصلی و مردم به عنوان بازیگران خط مقدم در رویکرد اجتماع محوری در نظر گرفته می‌شوند. مشارکت جامعه در ایجاد و اجرای برنامه‌های بحران، جوامع را قادر به جلوگیری، کاهش و پاسخ مؤثر به بلایا می‌سازد (Brien & Keefe, 2013). مشارکت مؤثر مردم از طریق ظرفیت سازی جوامع محلی امکان پذیر است (Azad et al, 2019: 135) و ظرفیت سازی جوامع محلی چیزی جز ایجاد عوامل مثبتی که توانایی افراد را در یک جامعه برای سازگاری با مخاطرات افزایش می‌دهد، نیست (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷) و ایجاد آن در هر سه مرحله قبل، حین و پس از بحران ضروری است. در مرحله قبل از بحران، ظرفیت سازی مردم از طریق آموزش افراد در زمینه امداد و نجات، حفظ آرامش و خونسردی، اقدامات خودامدادی و دگرامدادی و همچنین آگاهی بخشی درباره پیامدهای وقوع بحران و افزایش تمایل افراد به شرکت در کارگاه‌های آموزشی آمادگی انجام می‌شود. در مرحله مقابله با بحران، باید مهارتهای مورد نیاز افراد برای مقابله با اثرات مخرب بحران، از جمله مهارت عرضه کمک‌های اولیه، مهارت شناسایی

1. Cannon

می‌گیرد که همبستگی معناداری بین مشارکت مردمی و عملکرد مدیریت بحران وجود دارد. همچنین مشارکت مردمی تأثیر مستقیم و مثبتی بر عملکرد مدیریت بحران دارد. به علاوه تأثیر مشارکت نظری بر هیچ‌یک از ابعاد عملکرد مدیریت بحران معنی‌دار نبود. از طرفی مشارکت عملی تأثیر معنی‌داری بر عملکرد پس از بحران داشت. وی معتقد است یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند به موفقیت اقدامات مدیریت بحران کمک کند، مشارکت مردمی است و با استفاده از اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی از طریق رسانه‌های جمعی و اجتماعی، می‌توان بر مشارکت نظری و عملی مردم تأثیر گذاشت. در واقع با انجام اقدامات قبل از وقوع بحران می‌توان عملکرد بعد از وقوع بحران را بهبود بخشید.

فیروزپور و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «الگوسازی رابطه میان رویکرد قابلیت و رویکرد اجتماع‌محور مدیریت بحران» انجام دادند. نتایج پژوهش ناشی از وجود رابطه‌ای هم‌افزا و تعاملی میان دو رویکرد اجتماع‌محوری و قابلیت است؛ در حقیقت می‌توان گفت رویکرد اجتماع‌محور، ابزار و پدیده‌ای مؤثر برای گسترش رویکرد قابلیت است. متقابلاً رویکرد قابلیت می‌تواند به طراحی و مدیریت بهینه رویکرد اجتماع‌محور مدیریت بحران منتج شود.

مطهری و رفیعیان (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان «تبیین مدلی به منظور ارتقای مدیریت خطر بحران با رویکرد اجتماع‌محور» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد بین میزان سرمایه اجتماعی مرتبط با بحران در سطوح چهارگانه اجتماع محلی (فردی، گروهی، شبکه‌ای و سازمانی) و مؤلفه‌های مدیریت خطرپذیری بحران در سطوح مختلف، رابطه معناداری وجود دارد. رفیعیان و مطهری (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «طراحی مدلی برای بررسی رویکرد مدیریت ریسک بحران اجتماع‌محور» به ارائه مدل مدیریت بحران

مکان‌های امن و اسکان موقت، مهارت نجات مصدومان، مهارت سازماندهی و رهبری نیروهای داوطلب و مهارت مددکاری اجتماعی در زمان وقوع بحران را بهبود بخشد و از سوی دیگر، دانش افراد از جمله دانش امدادهای اولیه و برقراری ارتباط با مراکز ذی‌ربط و دانش بسیج عمومی و سازماندهی نیروهای محلی را افزایش دهد. در مرحله پس از بحران، از طریق افزایش تاب‌آوری اقتصادی، توسعه دانش، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه و انجام اقدامات عادی‌سازی انجام می‌شود (موهبتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۵).

حوادث و بلایای گسترده در سال‌های اخیر موجب افزایش دامنه مطالعات داخلی و خارجی در حوزه مدیریت بحران اجتماع‌محور شده است. در ادامه به چند مورد از جدیدترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود. کریمی و تقی‌لو (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «مدیریت بحران اجتماع‌محور راهی به سوی توسعه پایدار» با روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام دادند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که رویکرد اجتماع‌محور، کاستی‌های رویکرد بالا به پایین را که در نشان دادن نیازهای محلی به دلیل غفلت از منابع بومی و ظرفیت‌ها شکست خورده است، ندارد و به دنبال کاهش آسیب‌پذیری مردم، اصلاح برنامه‌ریزی و مدیریت بحران است.

رضایی‌راد و کاظمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بازشناسی ضرورت مدیریت اجتماع‌محور بحران در جهت کاهش آسیب‌پذیری در بحران زلزله» به این نتایج دست یافتند که صرف توجه به مسائل کالبدی نمی‌تواند آسیب‌پذیری‌ها در حوزه بحران را به حداقل برساند و بایستی نگرش‌های نوین مدیریت بحران با لایه‌های اجتماعی خرد مورد توجه قرار گرفته و بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی ساکنان توجه شود.

مهديه (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر مشارکت مردمی بر عملکرد مدیریت بحران» نتیجه

بحران اجتماع محور با رویکرد فراترکیب در جدول ۱ گزارش می شود.

اجتماع محور پرداخته و وجود رابطه معنی دار میان شاخص‌های مسئولیت‌پذیری و نحوه مدیریت، سازماندهی گروه دوام با مؤلفه‌های ادراکی و رفتاری مدیریت ریسک بحران به جز شاخص انسجام در سطح گروه دوام را دست یافتند. آزاد و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «مدیریت بحران اجتماع محور و تأثیرات آن بر کاهش ریسک مردم بنگلادش» به این نتایج دست یافتند که مشارکت فعال جوامع، تقویت فعالیت‌های آمادگی در برابر بلایای طبیعی و همچنین ظرفیت انطباقی و مقاومت مردمی از طریق به‌کارگیری رویکرد مبتنی بر جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. اسلام و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی «نقش مشارکت جوامع محلی در مقابل مخاطرات» پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن بود که برنامه‌های مقابله با مخاطرات در مکان‌های بهره‌مند از مشارکت در کشور بنگلادش اثربخشی بیشتری داشته است. حسینی و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی چالش‌های مدیریت بحران اجتماع محور در کاهش خطر بلایا» به این نتیجه رسیدند که عدم توجه کافی به ماهیت کاهش یا افزایش روند خطر، تاب‌آوری ناکافی جامعه، نادیده گرفتن سرمایه اجتماعی، برنامه‌ریزی آموزشی بد و نامناسب در جریان فرایند مدیریت بحران تأثیرگذار خواهند بود. درنهایت پاترسون و همکاران^۴ (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان «نقش جوامع محلی در واکنش به سوانح» به این نتایج رسیدند که شبکه‌های اجتماعی، نگرش، اعتماد و انسجام اجتماعی در کاهش آسیب‌پذیری ناشی از بلایای طبیعی حائز اهمیت است. با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش عوامل شناسایی شده مرتبط با مبحث مدیریت

1. Azad et al

2. Islam et al

3. Hosseini et all

4. Paterson et al

جدول ۱. عوامل شناسایی شده مرتب با مدیریت بحران اجتماع محور در برخی از مطالعات پیشین

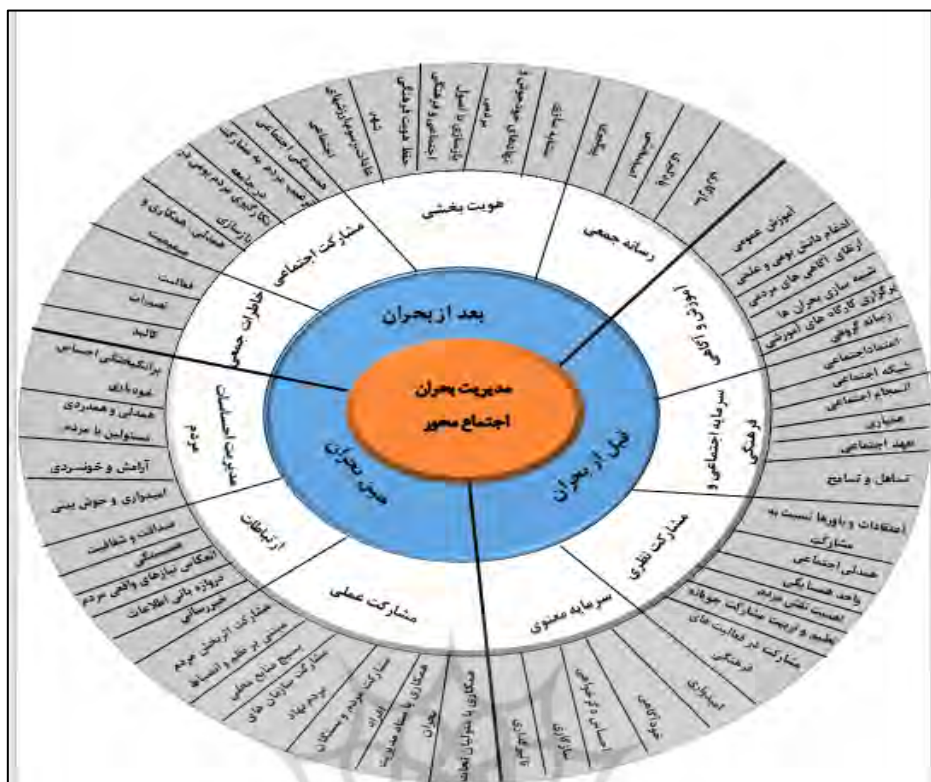
مؤلفه	شاخص	منبع
آموزش و آگاهی	آموزش عمومی	نوردمن و هومانسون (۲۰۱۷)، حسینی و همکاران (۲۰۱۷)، براسارد و همکاران (۲۰۱۵)، کانگابم (۲۰۱۲)، موئه و همکاران (۲۰۰۶)، قلی گله (۱۳۹۷)
	ادغام دانش بومی و علمی	آرنولد و همکاران (۲۰۱۸)، لیزارالده و همکاران (۲۰۲۰)، گایلارد و مرکر (۲۰۱۲)، کالاندا و همکاران (۲۰۱۱)، آلن (۲۰۰۶)
	ارتقای آگاهی‌های مردمی	مارسکوله و همکاران (۲۰۱۸)، نوردمن و هومانسون (۲۰۱۷)، روی و همکاران (۲۰۱۶)، کوماری و سابیتها (۲۰۱۵)، قلی گله (۱۳۹۷)
	شبیه‌سازی بحران‌ها	براسارد و همکاران (۲۰۱۵)، فهدودین (۲۰۱۲)، شارما (۲۰۱۰)
	برگزاری کارگاه‌های آموزشی	براسارد و همکاران (۲۰۱۵)، ظفری و ویسی (۱۳۹۰)
	رسانه جمعی	کلافت و همکاران (۲۰۱۸)، یئو و همکاران (۲۰۱۷)، مهدیه (۱۳۹۹)
	سرمایه اجتماعی و فرهنگی	اعتماد اجتماعی
انسجام اجتماعی		حسینی و همکاران (۲۰۱۷)، بانداری و همکاران (۲۰۱۴)
شبکه اجتماعی		حسینی و همکاران (۲۰۱۷)، بانداری و همکاران (۲۰۱۴)
همیاری		ماسبور (۲۰۰۷)
تعهد		عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، برنو و همکاران (۲۰۱۷)
تساهل و تسامح		عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، برنو و همکاران (۲۰۱۷)، آلزی و جکسون (۲۰۱۰)
مشارکت نظری		همدلی اجتماعی
	اعتقادات نسبت به مشارکت	تولغان و ازگور (۲۰۱۶)، پارسیزاده و همکاران (۲۰۱۵)
	واحد همسایگی	عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)
	اهمیت نقش مردم	آروین و همکاران (۱۳۹۶)، عزیزپور و همکاران (۱۳۹۴)، حیدری و ابراهیمی‌نژاد (۱۳۹۳)
	مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی	آروین و همکاران (۱۳۹۶)، پارسیزاده (۲۰۱۵)
	تعلیم و تربیت	ازکیاو همکاران (۱۳۸۰)، توکلی و همکاران (۱۳۹۵)
	سرمایه معنوی	امیدواری
سازگاری		ظفری و ویسی (۱۳۹۰)، عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)، اجیزی و پنجوانی (۲۰۱۵)
احساس دگرخواهی		گیانیسا و لی (۲۰۱۸)، آی و همکاران (۲۰۱۳)
تأثیرگذاری		ساعی و همکاران (۱۳۹۳)، لی (۲۰۲۰)
خودآگاهی		آرمیتیچ (۲۰۰۵)
مشارکت عملی	بسیج منابع محلی	پاترسون و همکاران (۲۰۱۰)، آلن (۲۰۰۶)، عضدی و میرزایی (۱۳۹۳)، حیدری و ابراهیمی‌نژاد (۱۳۹۳)، نوراللهی (۱۳۹۲)، جانسون و همکاران (۲۰۱۸)
	همکاری با ستاد بحران	تولغان و ازگور (۲۰۱۶)، سرکار و همکاران (۲۰۱۳)، انور حسین (۲۰۱۲)، پاترسون و همکاران (۲۰۱۰)، حیدری و ابراهیمی‌نژاد (۱۳۹۳)
	همکاری با متولیان نجات	سرکار و همکاران (۲۰۱۳)، حسین (۲۰۱۲)
	مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد	سرکار و همکاران (۲۰۱۳)، نوراللهی (۱۳۹۲)، غضنفرپور (۱۳۹۸)
	مشارکت اثربخش مردم	حسین (۲۰۱۲)، عاشوری و همکاران (۱۳۹۷)، حیدری و ابراهیمی‌نژاد (۱۳۹۳)
	مشارکت افراد و	مگیس (۲۰۱۰)، عزیزپور و همکاران (۱۳۹۴)

نیش و اعتباریابی مدل مدیریت بحران اجتماع محور بر اساس تکنیک سوارا (موردشناسی: استان کرمان)

	بستگانشان	
ارتباطات	خبررسانی	درودی و سپهری فر (۱۳۹۸)، حسینی و پیشنمازی (۱۳۸۹)
	دروازه‌بانی اطلاعات	حسینی و پیشنمازی (۱۳۸۹)
	همبستگی	حسینی و پیشنمازی (۱۳۸۹)
	صداقت و شفافیت	نوردمن و هومانسون (۲۰۱۷)، یثو و همکاران (۲۰۱۷)، آلن (۲۰۰۶)
	انعکاس نیازهای واقعی مردم	نوردمن و هومانسون (۲۰۱۷)
مدیریت احساسات مردم	همدلی و همدردی با مردم	نوردمن و هومانسون (۲۰۱۷)، یثو و همکاران (۲۰۱۷)
	امیدواری و خوشبینی	یثو و همکاران (۲۰۱۷)، آی و همکاران (۲۰۱۳)
	آرامش و خونسردی	ازکان (۲۰۱۳)
	احساس خودیاری	توکلی و همکاران (۱۳۹۵)
خاطرات جمعی	کالبد	اصلانی و همکاران (۱۳۹۹)، فلاحی و اصلانی (۱۳۹۴)
	فعالیت	اصلانی و همکاران (۱۳۹۹)، فلاحی و اصلانی (۱۳۹۴)
	تصورات	اصلانی و همکاران (۱۳۹۹)، فلاحی و اصلانی (۱۳۹۴)
مشارکت اجتماعی	همبستگی اجتماعی	آروین و همکاران (۱۳۹۶)
	ترغیب مردم به مشارکت در جامعه	ای و همکاران (۲۰۱۳)
	استفاده از مردم در فرایند بازسازی	ای و همکاران (۲۰۱۳)
	تقویت همدلی، همکاری صمیمیت	ای و همکاران (۲۰۱۳)
رسانه جمعی	پیگیری	کاوکیتپنگ و همکاران (۲۰۱۶)
	امیدبخشی	کاوکیتپنگ و همکاران (۲۰۱۶)
	یادگیری	کاوکیتپنگ و همکاران (۲۰۱۶)
	کمک به سازگاری	بریانت و همکاران (۲۰۱۴)، سیموئز و آلسگف (۲۰۱۵)
هویت بخشی	عادات، رسوم، ارزش‌های اجتماعی	لاندر و پری (۲۰۱۴)، کارو (۲۰۱۶)
	حفظ هویت فرهنگی شهر	اصلانی و همکاران (۱۳۹۹)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۴)، حاجی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲)
	نهادهای خودجوش مردمی	اصلانی و همکاران (۱۳۹۹)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۴)
	بازسازی با اصول و فرهنگی منطقه	اصلانی و همکاران (۱۳۹۹)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۴)
	مشابه‌سازی	اصلانی و همکاران (۱۳۹۹)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۴)

(یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در ادامه با توجه به مطالعات فوق که در زمینه موضوع پژوهش انجام شده است، مدل مفهومی پژوهش در قالب شکل ۱ استخراج شد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش
(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در پژوهش حاضر بر حسب هدف کاربردی و براساس روش اجرا، توصیفی-پیمایشی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش عبارت است از همه صاحب‌نظران،

مدیران و کارشناسان ستاد مدیریت بحران استانداری و هلال احمر استان کرمان به تعداد ۱۷۰ نفر که براساس فرمول کوکران و با احتساب خطای ۰/۰۵، تعداد ۱۱۸ نفر به روش تصادفی ساده به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

$$N = \frac{\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.5)^2}}{1 + \frac{1}{170} \left(\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.5)^2} - 1 \right)} = \frac{384.16}{3.282} = 118$$

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات پژوهش از دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. بدین ترتیب که از طریق بررسی مقالات خارجی و داخلی و کتب علمی، عوامل و مؤلفه‌های مربوط شناسایی و مدل مفهومی تحقیق احصا شد؛ از روش میدانی برای

جمع‌آوری اطلاعات در جهت پاسخگویی و اعتبارسنجی مدل مفهومی تحقیق استفاده شده است. در بررسی میدانی از دو پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه ۱ پژوهش، با هدف سنجش و اعتباریابی مدل اولیه تحقیق بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم،

استفاده از میانگین واریانس توسعه داده شده (AVE)، نشان می‌دهد میزان واریانس که متغیرهای پنهان از متغیرهای آشکار به دست آورده با مقدار بیشتر از ۰/۵۰ که فورنل و لارکر برای آن پیشنهاد دادند، بیشتر است (جدول ۳). همچنین برای سنجش پایایی پرسشنامه‌های پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد و با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آماره آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی عدد بزرگ‌تر از ۰/۷ است، مطابق با یافته‌های جدول ۴، متغیرهای مکنون در این دو معیار مقدار مناسبی اتخاذ کرده‌اند. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد. همچنین برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش نیز از تکنیک سوارا استفاده شد.

کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) طراحی شد؛ با استفاده از این پرسشنامه نظرات اعضای نمونه درخصوص هر یک از عوامل شناسایی شده مورد پرسش قرار گرفت. ابعاد، مؤلفه‌ها و تعداد سؤالات پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است. پرسشنامه شماره ۲ پژوهش با هدف وزن‌دهی و تعیین میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌های مدل تحقیق با استفاده از تکنیک سوارا طراحی و در بین ۱۵ نفر از خبرگان در حوزه مدیریت بحران اجتماع محور توزیع شد. به منظور سنجش روایی پرسشنامه‌ها و تعیین درستی سنجش متغیرهای مکنون توسط متغیرهای آشکار روایی همگرا و واگرا متغیرهای پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. با مقایسه بارهای عاملی متغیرهای آشکار پژوهش با مقدار ($X > 0.4$) روایی واگرایی مورد تأیید قرار گرفت. بررسی روایی همگرای متغیرهای پنهان با

جدول ۲. ابعاد، مؤلفه‌ها و تعداد سؤالات پرسشنامه پژوهش

میزان	مؤلفه	تعداد سؤالات
۶	آموزش و آگاهی	۶
		۶
		۶
۵	سرمايه اجتماعي و فرهنگي	۵
		۶
		۶
۵	مشارکت نظری	۵
		۶
		۶
۴	سرمايه معنوي	۴
		۶
		۶
۳	مشارکت عملی	۳
		۴
		۴
۴	ارتباطات	۴
		۴
		۴
۵	مدیریت احساسات مردم	۵
		۴
		۴
۴	خاطرات جمعی	۴
		۴
		۴
۵	مشارکت اجتماعی	۵
		۴
		۴
۵	رسانه جمعی	۵
		۴
		۴
۵	هویت بخشی	۵
		۴
		۴

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۳. نتایج بارهای عاملی و معیار AVE

معیار AVE	بارعاملی	شاخص	مؤلفه	ابعاد
۰.۶۷۹	۰.۸۶۱	آموزش عمومی	آموزش و آگاهی	قبل از بحران
	۰.۸۷۵	ادغام دانش بومی و علمی		
	۰.۸۷۷	ارتقای آگاهی‌های مردمی		
	۰.۸۹۸	شبیه‌سازی بحران‌ها		
	۰.۸۷۶	برگزاری کارگاه‌های آموزشی		
	۰.۸۸۱	رسانه جمعی		
۰.۶۵۱	۰.۸۱۶	اعتماد اجتماعی	سرمايه اجتماعي و فرهنگي	قبل از بحران
	۰.۸۷۳	انسجام اجتماعی		
	۰.۹۲۸	شبکه اجتماعی		

	۰.۸۲۶	همیاری	
	۰.۸۹۱	تعهد اجتماعی	
	۰.۸۷۸	تساهل و تسامح	
۰.۶۶۷	۰.۹۱۳	همدلی اجتماعی	مشارکت نظری
	۰.۸۸۲	اعتقادات نسبت به مشارکت	
	۰.۷۶۲	واحد همسایگی	
	۰.۸۵۹	اهمیت نقش مردم	
	۰.۸۸۸	تمایل به مشارکت	
	۰.۸۲۹	تعلیم و تربیت مشارکتی	
۰.۷۰۳	۰.۸۰۱	امیدواری	سرمايا معنوی
	۰.۸۳۲	خودآگاهی	
	۰.۸۵۹	دگرخواهی	
	۰.۸۸۹	سازگاری	
	۰.۹۰۸	تأثیرگذاری	
۰.۷۲۲	۰.۸۴۰	همکاری با ستاد بحران	مشارکت عملی
	۰.۸۹۷	توانایی نیروهای مردمی	
	۰.۸۹۰	همکاری با متولیان نجات	
	۰.۸۸۴	سازمان‌های مردم‌نهاد	
	۰.۶۷۳	مشارکت بستگان افراد	
	۰.۸۳۰	مشارکت اثربخش	
۰.۷۷۳	۰.۸۶۸	خبررسانی	ارتباطات
	۰.۸۷۹	دروازه‌بانی اطلاعات	
	۰.۸۲۸	همبستگی	
	۰.۸۴۹	صداقت و شفافیت	
	۰.۹۱۰	انعکاس نیازهای واقعی	
۰.۷۱۲	۰.۹۳۵	همدلی و همدردی با مردم	مدیریت احساسات مردم
	۰.۸۸۹	امیدواری و خوش‌بینی	
	۰.۹۰۸	حفظ آرامش و خونسردی	
	۰.۸۴۳	احساس خودیاری	
۰.۸۶۱	۰.۹۲۷	کالبد	خاطرات جمعی
	۰.۸۸۷	فعالیت	
	۰.۸۷۳	تصورات	
۰.۷۳۴	۰.۸۹۱	همبستگی اجتماعی	مشارکت اجتماعی
	۰.۹۲۴	ترغیب به مشارکت	
	۰.۸۹۶	استفاده از مردم بومی	
	۰.۹۰۰	همدلی، همکاری، صمیمیت	
۰.۷۱۵	۰.۸۶۰	پیگیری	رسانه جمعی
	۰.۸۹۴	امیدبخشی	
	۰.۸۲۴	یادگیری	
	۰.۸۶۹	سازگاری	
۰.۷۴۱	۰.۸۸۹	اصول اجتماعی فرهنگی	هویت‌بخشی
	۰.۸۹۰	آداب و رسوم مردم بومی	
	۰.۸۶۱	هویت فرهنگی شهر	
	۰.۸۷۷	توجه به نهاد‌های خودجوش	
	۰.۸۸۵	مشابه‌سازی	

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۴. نتایج دو معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

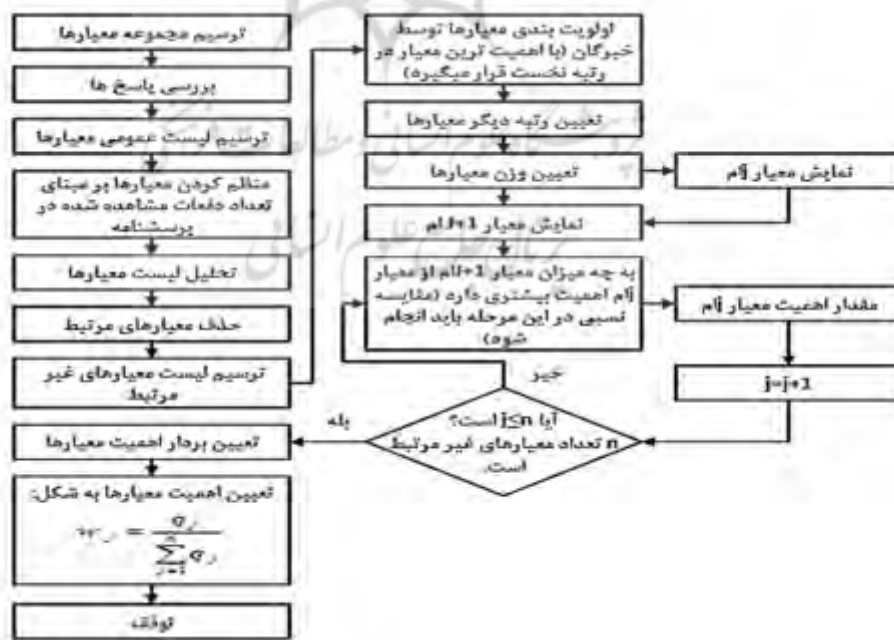
متغیر مکنون	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha > 0/7))	ضریب پایایی ترکیبی (CR > 0/7))
آموزش و آگاهی	۰.۹۰۴	۰.۹۰۹
سرمایه اجتماعی و فرهنگی	۰.۸۹۳	۰.۸۹۴
مشارکت نظری	۰.۹۰۰	۰.۹۰۲
سرمایه معنوی	۰.۸۹۳	۰.۸۹۷
مشارکت عملی	۰.۹۲۳	۰.۹۲۵
مدیریت احساسات مردم	۰.۸۶۴	۰.۸۶۸
ارتباطات	۰.۹۲۶	۰.۹۳۰
خاطرات جمعی	۰.۹۱۹	۰.۹۲۲
رسانه جمعی	۰.۸۶۷	۰.۸۷۲
مشارکت اجتماعی	۰.۸۷۹	۰.۸۸۰
هویت بخشی	۰.۹۱۲	۰.۹۱۳

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

تکنیک سوآرا

در بسیاری از مسائل تصمیم‌گیری چندشاخصه، وزن دهی به شاخص‌ها از جمله مهم‌ترین مراحل هر مسئله است (عرب و همکاران، ۱۳۹۵). براین اساس کارشناسان و خبرگان مرتبط با موضوع مورد پژوهش، نقش مهمی را در ارزیابی شاخص‌ها و اوزان ایفا می‌کنند و بخش اجتناب‌ناپذیری از فرایند تصمیم‌گیری برعهده آن‌هاست. ارزیابی روش وزن‌دهی تدریجی سوآرا یکی از روش‌های جدید است که توسط کرسولین

و همکاران ابداع شده و تصمیم‌گیرنده را قادر به ارزیابی و وزن‌دهی شاخص‌ها می‌سازد (Kersuline et al, 2010: 243). مهم‌ترین مزیت این روش نسبت به روش‌های مشابه، توان آن در ارزیابی دقت نظر کارشناسان درباره شاخص‌های وزن داده شده در طی فرایند پژوهش است (Kersuline et al, 2016, 644). شکل ۲ مراحل وزن‌دهی با استفاده از تکنیک سوآرا را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مراحل تکنیک سوآرا

(منبع: Kersuline et al, 2010: 243)

محدوده مورد مطالعه

استان کرمان با وسعتی برابر با ۱۸۳۱۹۳ کیلومتر مربع، در جنوب شرق ایران واقع شده و مطابق با آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵، ۳۱۶۴۷۱۸ نفر جمعیت دارد. براساس آخرین تقسیمات کشوری، این استان دارای ۲۳ شهرستان، ۶۰ بخش و ۱۵۴ دهستان است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). استان کرمان با در نظر گرفتن بیش از ۱۱ درصد از وسعت ایران، نخستین استان پهناور کشور است و از شمال شرقی با استان خراسان جنوبی، از شمال و شمال غرب با استان یزد، از غرب با استان فارس و از جنوب با استان هرمزگان همسایه است (شکل ۳). کرمان از جمله زلزله‌خیزترین استان‌های کشور محسوب می‌شود و روی کمربند گسل‌های کوهبنان، لکرکوه، گلباف، بم، جیرفت و کهنوج با روند شمال باختری-جنوب خاوری قرار دارد (عضدی و میرزایی، ۱۳۹۳: ۳۰). بارندگی سالانه استان حدود ۱۲۹ میلی‌متر برابر با ۵۷ درصد متوسط بارش کشور و ۱۹ درصد متوسط بارش کره زمین است. از طرفی پراکنش مکانی و زمانی بارندگی استان نامرتب بوده و بارش‌ها عمدتاً در فصل زمستان و به صورت شدید و رگباری اتفاق می‌افتد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که زمین‌های در معرض خطر سیل بیشتر در جنوب استان کرمان و در ارتفاع کم واقع شده‌اند که عمدتاً شهرستان‌های رودبار جنوب، قلعه گنج و قسمت‌هایی از عنبرآباد را شامل می‌شود. همچنین خطر سیل در قسمت‌هایی از شهرستان‌های ریگان، فهرج، بم و همچنین بخش‌هایی از دشت‌های سیرجان، رفسنجان، راور و بردسیر نیز بسیار بالا است. استان کرمان در مجموع دارای حدود ۱۴ میلیون هکتار حوزه آبخیز است که عمدتاً از حوزه‌های داخلی سیل خیز و بیابانی محسوب می‌شود. آمار خسارات سیل و تلفات سیل‌های دهه‌های اخیر در استان از افزایش روند سیل خیزی در این استان حکایت دارد. به طوری که در ۴۸ سال

بر اساس شکل ۲، گام‌های اصلی برای وزن‌دهی به روش سوآرا به شرح زیر است:

- گام اول: مرتب کردن شاخص‌ها در ابتدا شاخص‌های مورد نظر تصمیم‌گیرندگان به عنوان شاخص‌های نهایی و براساس درجه اهمیت، انتخاب و مرتب می‌شوند. براین اساس مهم‌ترین شاخص‌ها در رده‌های بالاتر و شاخص‌های کم‌اهمیت‌تر در رده‌های پایین‌تر قرار می‌گیرند.

- گام دوم: تعیین اهمیت نسبی هر شاخص (S_j)

در این مرحله بایستی اهمیت نسبی هر شاخص نسبت به شاخص قبلی مشخص شود که این مقدار در تکنیک سوآرا با عنوان S_j نمایش داده می‌شود.

- گام سوم: محاسبه ضریب K_j

این ضریب که تابعی از مقدار اهمیت نسبی هر شاخص است، با استفاده از رابطه ۱ محاسبه می‌شود.

$$K_j = S_j + 1 \quad (1) \text{ رابطه}$$

- گام چهارم: محاسبه وزن اولیه هر شاخص وزن اولیه شاخص‌ها از طریق رابطه ۲ محاسبه می‌شود. در این رابطه باید توجه داشت که وزن شاخص نخست که مهم‌ترین شاخص است، ۱ در نظر گرفته می‌شود (رابطه ۲).

$$q_j = \frac{q_{j-1}}{K_j}$$

- گام پنجم: محاسبه وزن نرمال نهایی در آخرین مرحله از روش سوآرا، وزن نهایی شاخص‌ها که وزن نرمال شده نیز محسوب می‌شود، از طریق رابطه ۳ محاسبه می‌شود (رابطه ۳).

$$w_j = \frac{q_j}{\sum q_j}$$

در نهایت طوفان و ریزگردها یکی دیگر از بلایای طبیعی در منطقه است و خیزش گرد و غبار و حرکت ماسه‌های روان از محل کانون‌های ریزگرد، همواره به لحاظ زیست‌محیطی خسارات سنگینی را متوجه مراکز زیست‌محیطی و اقتصادی استان کرمان کرده است. استان کرمان دارای ۱۶ کانون بادی و بیابانی است و ۴/۲ میلیون هکتار از اراضی بیابانی کرمان در خطر فرسایش قرار دارند. کانون‌های فرسایش بحرانی باد در استان کرمان مساحتی معادل ۶۷۶۲۳۴ هکتار را دربرمی‌گیرد و در نزدیکی چندین کانون بحرانی فرسایش بادی قرار گرفته که بیشتر آن‌ها در بخش جنوب و جنوب‌غربی قرار گرفته‌اند (صداقت و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۹) و هرساله خسارات فراوانی را متوجه ساکنان می‌کنند.

گذشته بالغ بر ۵۷۲ مورد سیل در استان اتفاق افتاده است (غضنفرپور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۷). درخصوص پدیده خشکسالی نیز استان کرمان بیش از ۱۴ سال است که با پدیده خشکسالی مواجه است و هیچ نقطه‌ای از استان را نمی‌توان یافت که از این بلای طبیعی و ویرانگر در امان مانده باشد. تداوم خشکسالی در استان کرمان موجب بحران آب و کاهش آب‌های زیرزمینی و آب‌های سطحی شده است. خشکسالی‌های اخیر و افزایش شدت فرسایش بادی، موجب ایجاد بحران شدید برای تعدادی از روستاها، اراضی زراعی و باغی و به‌طورکلی بخش کشاورزی استان کرمان در نقاطی چون نرماشیر، بم، تکاب، شهداد، جازموریان، حومه شهر کرمان و رفسنجان شده است (پروازی، ۱۳۹۷: ۱۳۱).



شکل ۳. محدوده مورد مطالعه
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

یافته‌های پژوهش

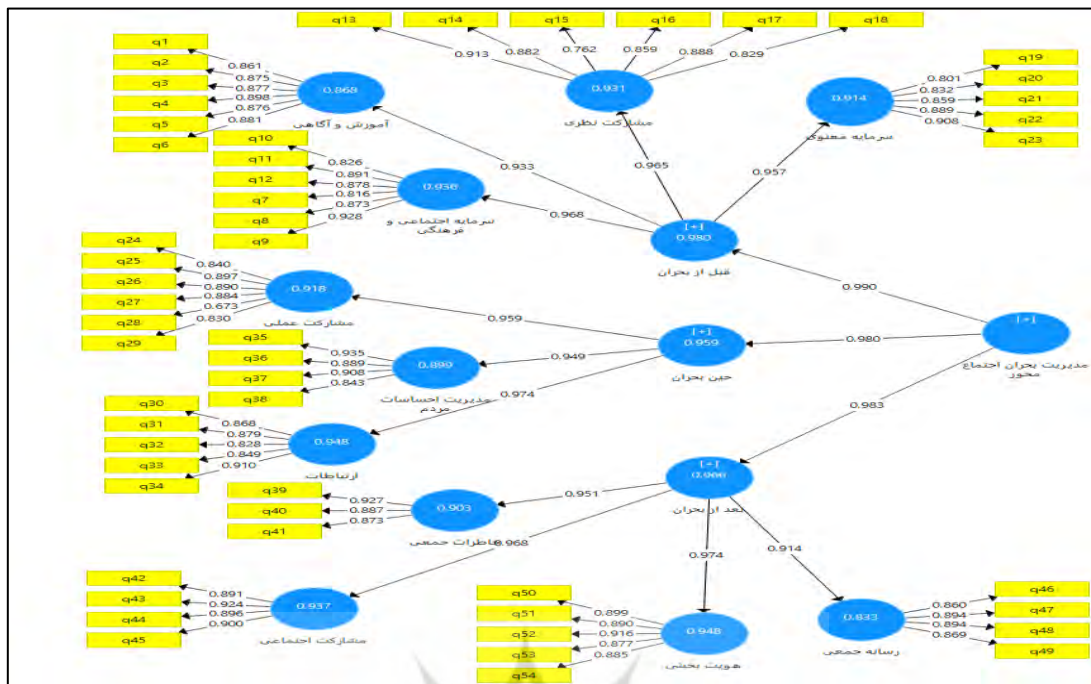
به‌منظور اعتباریابی روابط علی غیرآزمایشی بین متغیرهای پژوهش در قالب تجزیه و تحلیل چندمتغیره، تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) به روش حداقل مربعات جزئی به کار گرفته شد. مدل ساختاری پژوهش در نرم‌افزار Smart PLS پیاده‌سازی شد. قبل از بررسی ضرایب معناداری مرتبط با مسیر بین متغیرهای پژوهش بایستی از کیفیت یا اعتبار مدل پژوهش اطمینان حاصل کرد. این مهم با بررسی اعتبار متقاطع مدل محقق می‌شود که دارای دو شاخص اعتبار اشتراکی و اعتبار افزونگی (حشو) است. شاخص اشتراکی کیفیت مدل اندازه‌گیری هر بلوک را می

سنجد و شاخص افزونگی که به آن Q^2 استون-گیسر نیز می‌گویند، با در نظر گرفتن مدل اندازه‌گیری، کیفیت مدل ساختاری را اندازه‌گیری می‌کند. مقادیر مثبت و بزرگ‌تر از صفر برای این شاخص‌ها، نشان‌دهنده کیفیت مناسب و قابل قبول مدل ساختاری برازش یافته است. در جدول ۴ مقادیر شاخص‌های پیش‌گفته برای متغیرهای مکنون ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این مقادیر مثبت و بزرگ‌تر از صفر هستند. پس از اطمینان از برازش مناسب مدل می‌توان به آن استناد کرد. شکل‌های ۴ و ۵ خروجی نرم‌افزار را در حالت معناداری و t-value را نشان می‌دهد.

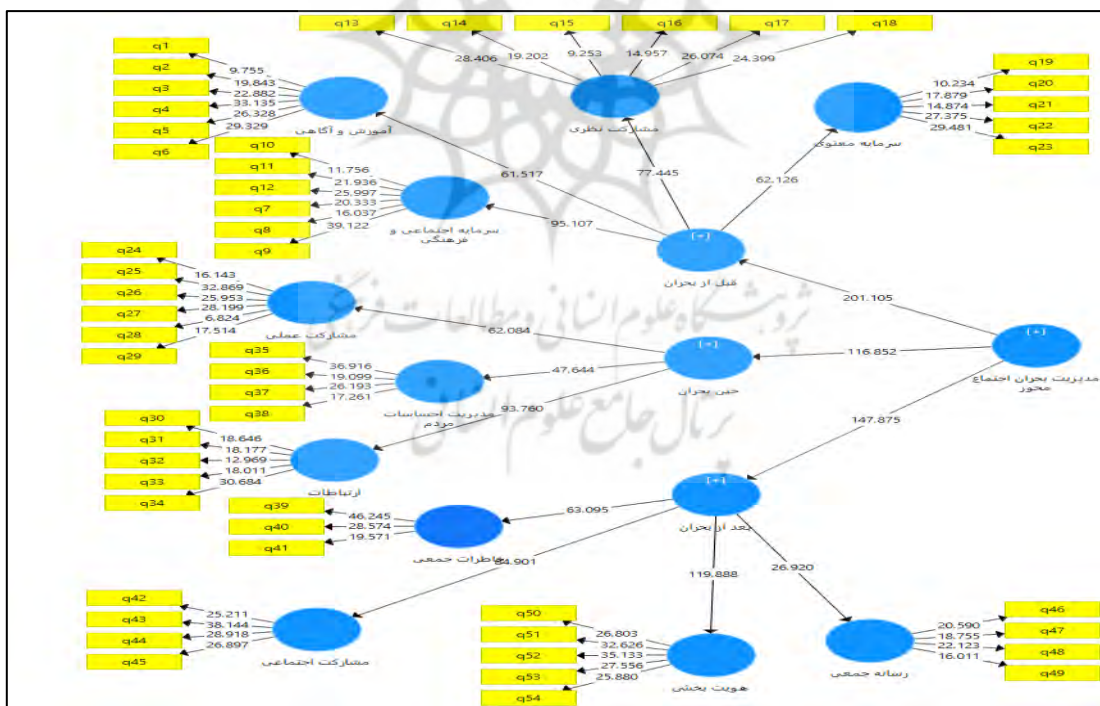
جدول ۵. نتایج شاخص‌های برازش مدل ساختاری

متغیر مکنون	شاخص اشتراکی (CV Com)	شاخص افزونگی (CV Red)
آموزش و آگاهی	۰.۳۴۲	۰.۳۴۰
سرمایه اجتماعی و فرهنگی	۰.۴۰۵	۰.۳۹۴
مشارکت نظری	۰.۱۴۲	۰.۱۸۹
سرمایه معنوی	۰.۲۵۱	۰.۲۴۰
مشارکت عملی	۰.۳۰۲	۰.۲۹۵
ارتباطات	۰.۲۱۴	۰.۲۱۰
مدیریت احساسات مردم	۰.۱۷۱	۰.۱۷۹
خاطرات جمعی	۰.۱۶۸	۰.۱۷۲
مشارکت اجتماعی	۰.۴۵۲	۰.۴۴۷
رسانه جمعی	۰.۱۹۲	۰.۱۸۵
هویت بخشی	۰.۲۳۸	۰.۲۴۱

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)



شکل ۴. مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب معناداری (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)



شکل ۵. مدل معادلات ساختاری پژوهش در حالت t-value (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۶. برآورد اثر مؤلفه‌های پژوهش بر ابعاد قبل، حین و پس از بحران

ابعاد	مؤلفه	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تأثیر	مقدار بحرانی (T-value)	سطح معناداری (P-value)
قبل از بحران	آموزش و آگاهی	۰.۸۶۸	۰.۹۳۳	۶۱.۵۱۷	۰.۰۰۰
	سرمایه اجتماعی فرهنگی	۰.۹۳۶	۰.۹۶۸	۹۵.۱۰۷	۰.۰۰۰
	مشارکت نظری	۰.۹۳۱	۰.۹۶۵	۷۷.۴۴۵	۰.۰۰۰
	سرمایه معنوی	۰.۹۱۴	۰.۹۵۷	۶۲.۱۲۶	۰.۰۰۰
حین بحران	مشارکت عملی	۰.۹۱۸	۰.۹۵۹	۶۲.۰۶۴	۰.۰۰۰
	ارتباطات	۰.۹۴۸	۰.۹۷۴	۹۳.۷۶۰	۰.۰۰۰
	مدیریت احساسات مردم	۰.۸۹۹	۰.۹۴۹	۴۷.۶۴۴	۰.۰۰۰
بعد از بحران	خاطرات جمعی	۰.۹۰۳	۰.۹۵۱	۵۶.۳۷۲	۰.۰۰۰
	مشارکت اجتماعی	۰.۹۳۷	۰.۹۶۸	۷۶.۵۷۹	۰.۰۰۰
	رسانه جمعی	۰.۸۳۳	۰.۹۱۴	۲۵.۴۴۷	۰.۰۰۰
	هویت بخشی	۰.۹۴۸	۰.۹۷۴	۱۳.۳۸۹	۰.۰۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

تأثیر ۰/۹۱۴ و هویت بخشی با ضریب ۰/۹۷۴ با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، بر بُعد پس از بحران تأثیر مثبت و معناداری دارند. همچنین ضرایب تعیین همه مؤلفه‌های پژوهش از ۰/۸ بزرگ‌تر است و با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضرایب تعیین شده، بزرگ برآورد می‌شود؛ در نتیجه می‌توان گفت مؤلفه‌های پژوهش در حد بالایی توان تبیین واریانس ابعاد قبل، حین و پس از بحران را دارا هستند. با توجه به نتایج جدول ۵ و با توجه به اینکه میزان t محاسبه شده در همه متغیرها بزرگ‌تر از ۲/۵۶ (مقدار بحرانی جدول در سطح ۹۹ درصد) است، همه پارامترهای مدل پیشنهادی از نظر آماری نیز معنادار هستند.

همان گونه که در جدول ۶ نشان داده شده است، مؤلفه‌های آموزش و آگاهی با ضریب تأثیر ۰/۹۳۳، سرمایه اجتماعی و فرهنگی با ضریب تأثیر ۰/۹۶۸، مشارکت نظری با ضریب تأثیر ۰/۹۶۵ و سرمایه معنوی با ضریب تأثیر ۰/۹۵۷ با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بر بُعد قبل از بحران پژوهش تأثیرگذار هستند. مؤلفه‌های مشارکت عملی با ضریب تأثیر ۰/۹۵۹، ارتباطات ۰/۹۷۴، مدیریت احساسات مردم ۰/۹۴۹ نیز با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بر بُعد حین بحران تأثیر مثبت و معناداری دارند. همچنین مؤلفه‌های خاطرات جمعی با ضریب تأثیر ۰/۹۵۱، مشارکت اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۹۶۸، رسانه جمعی با ضریب

جدول ۷. برآورد اثر ابعاد قبل، حین و پس از بحران بر مدیریت بحران اجتماع محور

متغیرها	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تأثیر	مقدار بحرانی T-value	سطح معناداری p-value
قبل از بحران	۰.۹۸۰	۰.۹۹۰	۲۰۱.۱۰۵	۰.۰۰۰
حین بحران	۰.۹۵۹	۰.۹۸۰	۱۰۶.۹۴۲	۰.۰۰۰
پس از بحران	۰.۹۶۶	۰.۹۸۳	۱۴۷.۱۷۸	۰.۰۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

وزن دهی به شاخص‌ها با استفاده از تکنیک سوآرا همان‌گونه که در جدول ۸ ملاحظه می‌شود، بر مبنای روش سوآرا از افراد خبره خواسته شده تا معیارها را بر اساس اهمیت مرتب کنند که این اولویت‌بندی در ستون اول جدول به نمایش درآمده است. همچنین گام‌های دوم تا چهارم روش سوآرا به ترتیب در ستون‌های ۲ تا ۴ جدول قابل ملاحظه است. در نهایت با پیمودن گام نهایی روش سوآرا و نرمال‌سازی اوزان معیارهای مؤثر بر مدیریت بحران اجتماع محور، وزن نهایی آن‌ها در ستون ۵ جدول به نمایش درآمده است.

نتایج حاصل از جدول ۷ نشان می‌دهد که برنامه‌های مدیریت قبل از بحران با ضریب تأثیر ۰/۹۹۰، حین بحران با ضریب تأثیر ۰/۹۸۰ و پس از بحران با ضریب تأثیر ۰/۹۸۳ با سطح معناداری کمتر از ۰/۵۰ بر مدیریت بحران اجتماع محور تأثیر مثبت و معناداری دارند. همچنین ضرایب تعیین محاسبه شده برای تأثیر ابعاد قبل، حین و پس از بحران بر مدیریت بحران اجتماع محور به ترتیب ۰/۹۵۹، ۰/۹۸۰ و ۰/۹۶۶ تخمین زده شد که با توجه به اینکه همه ضرایب از ۰/۸ بزرگتر است، می‌توان گفت همه ابعاد پژوهش در حد بالایی توانایی تبیین واریانس متغیر مدیریت بحران اجتماع محور را دارا هستند.

جدول ۸. رتبه‌بندی مؤلفه‌های پژوهش از طریق تکنیک سوآرا

وزن نهایی	محاسبه وزن	ضریب k_j $k_j = S_j + 1$	اهمیت نسبی مقادیر S_j	مؤلفه‌ها
$W_j = Q_j / \sum W_j$	$Q_j = (x_j - 1) / K_j$			
۰.۴۲	۱	۱	۰	آموزش و آگاهی
۰.۳۵	۰.۶۱	۱.۶۵	۰.۶۴۸	مشارکت عملی
۰.۲۷	۰.۴۱	۱.۴۹	۰.۴۸۵	مشارکت اجتماعی
۰.۲۵	۰.۳۴	۱.۷۱	۰.۷۰	ارتباطات
۰.۲۳	۰.۲۴	۱.۷۳	۰.۷۲۸	مشارکت نظری
۰.۲۰	۰.۲۲	۱.۶۰	۰.۶۰۲	رسانه جمعی
۰.۱۷	۰.۱۹	۱.۵۴	۰.۵۴۱	مدیریت احساسات مردم
۰.۱۳	۰.۱۴	۱.۵۷	۰.۵۶۶	سرمایه اجتماعی فرهنگی
۰.۰۰۹	۰.۱۲	۱.۶۸	۰.۶۸۳	هویت بخشی
۰.۰۰۷	۰.۱۰	۱.۶۵	۰.۶۴۸	سرمایه معنوی
۰.۰۰۵	۰.۸	۱.۷۳	۰.۷۳۳	خاطرات جمعی

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

است و مؤلفه‌های مشارکت عملی با وزن ۰/۳۵، مشارکت اجتماعی ۰/۲۷، ارتباطات ۰/۲۵، مشارکت نظری ۰/۲۳، رسانه جمعی ۰/۲۰، مدیریت احساسات مردم ۰/۱۷، سرمایه اجتماعی و فرهنگی ۰/۱۳،

محاسبه وزن نهایی مؤلفه‌های پژوهش که در جدول ۸ ارائه شده است، نشان می‌دهد که مؤلفه آموزش و آگاهی با وزن نهایی ۰/۴۲ به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر مدیریت بحران اجتماع محور شناسایی شده

هویت بخشی ۰/۰۰۹، سرمایه معنوی ۰/۰۰۷ و در نهایت خاطرات جمعی با وزن ۰/۰۰۵ در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. بررسی اوزان شاخص‌های پژوهش نیز نشان داد که شاخص‌های آموزش عمومی، شبکه اجتماعی، اهمیت نقش مردم، سازگاری، مشارکت اثربخش مردمی مبتنی بر نظم و انضباط، انعکاس نیازهای واقعی مردم، حفظ آرامش و خونسردی، همکاری همدلی و صمیمیت، توجه به عادات و رسوم و ارزش‌های اجتماعی، حائز بالاترین رتبه شدند.

نتیجه‌گیری

فراگرد مدیریت بحران در ایران دارای نوسانات فراوانی بوده و شواهد نشان می‌دهد که دولت‌ها بیشتر به التیام بخشی پس از بلایا توجه داشته و تلاش خود را بر مراحل مقابله و بازسازی در چرخه مدیریت بحران متمرکز کرده‌اند؛ از این رو مسئولان و سیاست‌گذاران کشور باید برای رفع این مشکل به رویکردهای جدید در مدیریت بحران، از جمله رویکرد اجتماع محور توجه داشته و از این طریق میزان آسیب‌پذیری را کاهش دهند. بررسی وضعیت مدیریت بحران اجتماع محور در مناطق مستعد بلایای طبیعی، نظیر استان کرمان، امری بسیار حیاتی است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف سنجش و اعتباریابی مدل مدیریت بحران اجتماع محور با استفاده از تکنیک سوآرا انجام شد. مدل مدیریت بحران اجتماع محور با ۳ بُعد اصلی، ۱۱ مؤلفه و ۵۴ شاخص احصا شد. بُعد قبل از بحران (شامل مؤلفه‌های آموزش و آگاهی، مشارکت نظری، سرمایه معنوی و سرمایه اجتماعی و فرهنگی)، بُعد حین بحران (شامل مؤلفه‌های مشارکت عملی، ارتباطات، مدیریت احساسات مردم) و بُعد پس از بحران (شامل مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی، هویت‌یابی، رسانه جمعی و خاطرات جمعی) است. نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که بُعد قبل

از بحران با ضریب تأثیر ۰/۹۹، بُعد حین بحران با ضریب اثر ۰/۹۸ و بُعد پس از بحران با ضریب اثر ۰/۹۸ بر مدیریت بحران اجتماع محور تأثیرگذار هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مدل مورد سنجش، از برآزش مناسبی برخوردار است و از طریق تقویت مؤلفه‌های ذکر شده می‌توان رویکرد مدیریت بحران اجتماع محور را به درستی اجرا کرد.

در این بین از میان مؤلفه‌های قبل از بحران، مشارکت نظری (با شاخص‌های همدلی اجتماعی، اعتقادات و باورها نسبت به مشارکت، واحد همسایگی، اهمیت نقش مردم، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، تعلیم و تربیت مشارکت‌جویانه) و سرمایه اجتماعی-فرهنگی (با شاخص‌های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه اجتماعی) هر دو با ضریب تأثیر ۰/۹۶ بیشترین تأثیر را در بُعد قبل از بحران دارند؛ بنابراین با تقویت این دو مؤلفه می‌توان ترتیبی ایجاد کرد که جامعه آمادگی لازم را قبل از وقوع حادثه داشته باشد که این مقوله برای استان کرمان اهمیت زیادی دارد؛ زیرا کرمان منطقه‌ای مستعد برای بلایای طبیعی محسوب می‌شود و آمادگی قبل از بحران بسیار ضروری به نظر می‌رسد. همچنین نتایج نشان داد از میان مؤلفه‌های بُعد حین بحران، مؤلفه ارتباطات با ضریب تأثیر ۰/۹۷، بیشترین اثر را در این بُعد داراست. ارتباطات از طریق شاخص‌های خبررسانی، دروازه‌بانی اطلاعات، همبستگی، شفافیت و صداقت، انعکاس نیازهای واقعی مردم بر مدیریت بحران اجتماع محور تأثیر دارد. نقش رسانه‌ها در هنگام وقوع بحران بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا اطلاع‌رسانی نادرست می‌تواند بحران دیگری را در دل بحران موجود ایجاد کند. در نهایت هویت بخشی با شاخص‌های عادات رسوم و ارزش‌های اجتماعی، حفظ هویت فرهنگی شهر، نهادهای خودجوش مردمی، بازسازی براساس اصول اجتماعی-

فرهنگی منطقه و مشابه‌سازی با ضریب اثر ۰/۹۷ بیشترین تأثیر را در بُعد پس از بحران داراست. از آنجا که استان کرمان استانی باستانی، تاریخی با مردمی سنتی محسوب می‌شود، پس از حوادث طبیعی نظیر زلزله ممکن است بناهای تاریخی، خانه‌های با بافت قدیم و خانه‌باغ‌ها تخریب شود (نظیر زلزله سال ۱۳۸۲ بم که موجب تخریب ارگ باستانی بم و همچنین تغییر محل زندگی مردم از خانه‌باغ‌ها به آپارتمان شد)؛ درواقع بازسازی زمانی داری هویت خواهد بود که بستر لازم برای شکل‌گیری، حفظ و بازسازی خاطرات را فراهم کند. ایجاد فضاهای آشنا برای مردم با تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخشی، موجب احساس امنیت و آرامش افراد می‌شود. همچنین نتایج تحلیل پژوهش با تکنیک سوآرا نشان داد مؤلفه آموزش و آگاهی با وزن ۰/۴۲ به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در مدیریت بحران اجتماع‌محور شناسایی شده است. همان‌گونه که بیان شد آسیب‌پذیری بالای استان کرمان به‌گونه‌ای است که مردم منطقه هر لحظه در معرض یک حادثه قرار دارند؛ بنابراین بایستی به‌صورت اصولی و ساختاری برای بحران‌های احتمالی آماده شوند. از سوی دیگر کرمان پهناورترین استان کشور بوده و دارای جمعیت روستانشین و ساکن در شهرهای کوچک بسیاری است. آموزش مناطق روستایی و آگاه‌سازی آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا بافت‌های روستایی مستعد آسیب‌پذیری بیشتری در برابر حوادث بوده و البته دانش و آگاهی روستانشینان نیز اندک است. تقویت آگاهی مردم منطقه در برابر بلایا مستلزم سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش عمومی، بهره‌گیری از دانش محلی مردم بومی منطقه در کنار دانش علمی، ارتقای آگاهی‌های مردمی، شبیه‌سازی بحران‌ها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و همچنین بهره‌گیری از رسانه جمعی است؛ بنابراین وجود سیستم آموزشی منسجم

اقدام بسیار مهمی در زمینه نهادینه‌شدن آمادگی در میان ساکنان استان است. همچنین نتایج پژوهش، حاکی از آن بود که مؤلفه مشارکت عملی با وزن ۰/۳۵ و مشارکت اجتماعی با وزن ۰/۲۷ نقش مهمی در مدیریت بحران اجتماع‌محور دارند. در رویکرد اجتماع‌محوری، مشارکت دادن مردم برای ارتقای توانمندی آن‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و مشارکت به خودی خود موجب ارتقای اثربخشی می‌شود. با توجه به اینکه در لحظات اولیه وقوع حادثه و تا رسیدن نیروهای امداد و نجات تنها این خود مردم هستند که می‌توانند به هم کمک کنند، توجه به این اصل از اهمیت بسزایی برخوردار است. منظور از مشارکت عملی در مدل مورد بررسی، مشارکت مردم حین وقوع بحران است که از طریق شاخص‌های بسیج منابع محلی و استفاده از نیروهای داوطلب، مشارکت اثربخش مبتنی بر نظم و انضباط، سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت مردم و بستگانشان، همکاری ساکنان با ستاد مدیریت بحران، همکاری با متولیان نجات، سنجیده می‌شود. درواقع ارتقای توانایی‌های مردم منطقه از طریق شاخص‌های مذکور می‌تواند خسارات و آسیب‌ها را تا حد قابل‌توجهی کاهش دهد. مشارکت اجتماعی نیز از طریق تقویت شاخص‌های همبستگی اجتماعی، ترغیب مردم به مشارکت در جامعه، استفاده از مردم بومی در فرایند بازسازی، همدلی، همکاری و صمیمیت ارتقا می‌یابد. درواقع دخالت دادن مردم محلی در برنامه‌های مرتبط با بازسازی به‌خصوص در مناطق تاریخی استان کرمان موجب سرعت‌بخشیدن به فرایند بازسازی و البته در نظر گرفتن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها می‌شود که این مسئله یکی از عوامل مهم در دستیابی به یک بازسازی موفق است. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های کریمی و تقی‌لو (۱۳۹۹) که مشارکت را به‌عنوان یکی از راه‌های مؤثر

همچنین افزایش برنامه‌های رسانه‌ی جمعی به‌منظور ارتقای دانش و آگاهی عموم مردم در مواجهه با بحران‌ها؛ ایجاد پایگاه‌های امداد و نجات محلی و بومی برای منطقه و استفاده از افراد آشنا به جغرافیای طبیعی و فرهنگی و اجتماعی منطقه؛ مورد توجه قرار دادن اصل هماهنگی در جهت افزایش اثربخشی مشارکت‌های مردمی مبتنی بر نظم و انضباط؛ بسترسازی در زمینه‌ی ایجاد تشکل‌های مردمی؛ شناسایی توانایی‌های مردمی و سازماندهی مناسب آن‌ها به‌منظور به‌کارگیری اثربخش در فرایند امداد رسانی؛ برگزاری برنامه‌هایی نظیر جشن‌های مذهبی در جهت تشویق مردم برای حضور در اجتماع به‌منظور کمک به سازگاری آن‌ها با بحران حادث شده و برگشت به روال عادی زندگی؛ استفاده از مردم بومی در فرایند بازسازی آثار تاریخی و فرهنگی منطقه؛ ایجاد گروه‌های سازمان‌یافته در قالب سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های کوچک محلی، بسیج و سازمان‌های خیریه، به‌منظور افزایش همدلی اجتماعی در بین مردم در راستای نهادینه‌ساختن مدیریت بحران اجتماع‌محور از اهمیت بسزایی برخوردار است.

منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ کاشفی‌دوست، دیمین؛ حسینی، احمد. (۱۳۹۷). ارزیابی تاب‌آوری کالبدی شهر در برابر زلزله (نمونه‌ی موردی: شهر پیرانشهر)، مجله‌ی مخاطرات طبیعی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی ۲۰، صص ۱۴۶-۱۳۱.

<http://ensani.ir/fa/article/402959>

ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه اعتماد و مشارکت در مناطق روستایی شهر کاشان. فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره نهم، شماره سیزده، صص ۳۱-۳.

<https://www.sid.ir/fa/JOURNAL/ViewPaper.aspx?id=8179>

اصلانی، فرشته؛ اسدی، سعیده؛ شرفی، علی؛ کاکاوند، یاشل (۱۳۹۹). بررسی تاثیر ابعاد بازسازی محلات بر التیام

در تقویت مدیریت بحران اجتماع‌محور تشخیص داده‌اند، مهدیه (۱۳۹۹) که مشارکت قبل و بعد از بحران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند موجب موفقیت مدیریت بحران شود، در نظر می‌گیرد؛ عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷) که موفقیت یک برنامه را تا حد زیادی به نقش مردم و نحوه‌ی دخالت در برنامه می‌داند و معتقدند که تعیین نیازها، خواسته‌ها و اولویت‌های برنامه‌ای و طرح‌های مدیریت بحران، جز با مشارکت مردم میسر نیست. قلی‌گله (۱۳۹۷) که مهم‌ترین وظیفه‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران را تقویت مشارکت و البته آموزش و آگاهی مردمی می‌داند؛ آروین و همکاران (۱۳۹۶) که بر اهمیت نقش آگاهی، نگرش، آموزش، دانش در مدیریت ریسک زلزله تأکید دارد؛ عضدی و میرزایی (۱۳۹۳) که مشارکت همراه با آموزش مردم محلی را موجب موفقیت مدیریت بحران می‌داند؛ جانسون و همکاران (۲۰۱۸) که بر اهمیت مشارکت مردمی بعد از بحران تأکید دارد؛ مارسکوله و همکاران (۲۰۱۸) که در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که به‌منظور تقویت دانش و آگاهی مردم در زمینه‌ی بحران باید از مدارس شروع کرد؛ نوردمن و هومانسون (۲۰۱۷) که معتقدند آگاهی از بحران و آمادگی برای بحران تأثیر مستقیمی بر اقدامات مدیریت بحران دارد، همسو و هم‌راستا است. بنابراین در راستای نتایج پژوهش و با توجه به اینکه مؤلفه‌های آموزش و آگاهی، مشارکت عملی و مشارکت اجتماعی بیشترین نقش را در مدیریت بحران اجتماع‌محور دارند، پیشنهاد می‌شود: آموزش‌های رسمی در مدارس، دانشگاه‌ها و سطوح مختلف اجتماعی در راستای آشنایی با مفاهیم مدیریت بحران مورد مذاقه قرار گیرد و با در نظر گرفتن برنامه‌های آموزشی در برابر بلایای احتمالی برای دانش‌آموزان در مدارس و مهدکودک‌ها به‌منظور نهادینه‌سازی فرهنگ مدیریت بحران در جامعه آمادگی لازم ایجاد شود.

توکلی، جعفر؛ الماسی، هادی؛ قوچی، پرستو (۱۳۹۵)؛ بررسی و تحلیل راهبردهای سازگاری کشاورزان با خشکسالی در استان کرمانشاه، فصلنامه پژوهش های روستایی، دانشگاه تهران، پژوهش‌های روستایی، دوره هفتم، شماره ۲۵، صص ۲۱۷-۲۴۱.

<http://ensani.ir/fa/article/359069/>

حسینی، کامبد؛ پیشنمازی، فرشته (۱۳۸۹). بررسی نحوه اطلاع رسانی در زلزله رودبار، منجیل و بم. پژوهشنامه زلزله شناسی و مهندسی زلزله، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱۲-۲۱.

<http://www.rbsee.ir/index.php/rbsee/article/view/28>

حیدری، کبری؛ ابراهیمی نژاد، مهدی (۱۳۹۳). بررسی عامل هماهنگی برای جذب مشارکت مردمی در سازمان های مدیریت بحران. همایش ملی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری.

<https://civilica.com/doc/382778/>

درودی، هما؛ سپهری فر، حسن (۱۳۹۸). ارزیابی مدیریت بحران در ایران بر مبنای مدل لیتل جان (بررسی موردی سیل فروردین ۱۳۹۸ لرستان، مازندران و زلزله ۱۳۹۶ کرمانشاه)، مجله دانش پیشگیری و مدیریت بحران وابسته به سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، دوره نهم، شماره ۴، صص ۳۹۳-۴۰۲.

<http://dpmk.ir/article-1-306-fa.html>

رحیمی، محمد؛ افشاری پور، نوشین (۱۳۹۷). جانمایی پایگاه های پشتیبانی مدیریت بحران با استفاده از تکنیک AHP و GIS (مطالعه موردی: شهر بابک)؛ مجله مخاطرات محیط طبیعی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوره هفتم، شماره ۱۶، صص ۶۵-۸۸.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=462903>

رضایی راد، هادی؛ کاظمی، داوود (۱۳۹۹). بازشناسی ضرورت مدیریت اجتماع محور بحران در جهت کاهش آسیب پذیری در بحران زلزله، مطالعات محیطی هفت حصار وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی همدان، دوره اول، شماره ۳۳، صص ۶۳-۷۸.

<https://www.magiran.com/paper/2194551>

رفعیان، مجتبی؛ مطهری، زینب السادات (۱۳۹۱). طراحی مدلی برای مدیریت ریسک اجتماع محور، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت بحران دانشگاه صنعتی مالک اشتر تهران، دوره اول، شماره ۱، صص ۵-۱۲.

پیامدهای اجتماعی روانی، پس از زلزله ۱۳۸۲ بم. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران تهران، دوره دهم، شماره دوم، صص ۱۱-۳۱.

<https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/656451>

آروین، محمود؛ فرجی، امین؛ بذرافکن، شهرام (۱۳۹۶). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر مدیریت ریسک زلزله با تاکید بر تاب آوری (مورد مطالعه: منطقه نه شهر تهران)، مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۲۴-۱.

https://jscm.ut.ac.ir/article_65768.html

بذرافشان، جواد؛ طولابی نژاد، مهرشاد؛ طولابی نژاد، میثم (۱۳۹۷). تحلیل فضایی تفاوت های تاب آوری در نواحی شهری و روستایی در برابر مخاطرات طبیعی (مورد مطالعه: شهرستان پلدختر)، فصلنامه پژوهش های روستایی، دانشگاه تهران، دوره نهم، شماره ۱، صص ۱۱۹-۱۳۵.

https://jrur.ut.ac.ir/article_66220.html

پاکباز خسرو شاهی، علی (۱۳۹۷). طراحی الگوی مدیریت بحران در رسانه؛ فصلنامه علمی رسانه، ارتباط جمعی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دوره بیست و نهم، شماره ۳، صص ۱۴۶-۱۲۵.

<https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/96910/139/text>

پروازی، مهناز (۱۳۹۷). بررسی خشکسالی های استان کرمان با چهار شاخص Z, TOPSIS, SPI, PNPI، مجله علوم جغرافیایی (جغرافیای کاربردی) دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، دوره ۱۴، شماره ۲۹، صص ۱۱۷-۱۳۱.

http://geographic.sinaweb.net/article_669666.html

پور عزت، علی اصغر؛ فیروزپور، آرمین؛ سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۲). مطالعه و مقایسه رویکرد اجتماع محور مدیریت بحران در کشورهای منتخب، فصلنامه مدیریت سازمان های دولتی دانشگاه پیام نور، سال اول، شماره ۲، صص ۵۲-۳۷.

<http://ensani.ir/fa/article/327693/>

ترکارانی، مجتبی؛ مرادی نژاد، الهام (۱۳۹۹). بررسی تغییرات سرمایه اجتماعی در بلایای طبیعی، مطالعه تأثیر سیلاب لرستان در فروردین ۱۳۹۸. مطالعات اجتماعی ایران وابسته به انجمن جامعه شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۲۳.

<http://ensani.ir/fa/article/432247/>

<https://jde.khu.ac.ir/article-1-71-fa.html>

عزیزپور، فرهاد؛ حمیدی، محمدسعید؛ چابک، جمشید. (۱۳۹۴). تحلیل مشارکت محلی در مدیریت مخاطره سیل در نواحی روستایی، مورد مطالعه: روستاهای حوزه آبخیز رودخانه بشار شهرستان بویراحمد، تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، دانشگاه خوارزمی، سال دوم، شماره ۴، صص ۹۴-۷۷.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=344710>

عضدی، وحید؛ میرزایی، محمدحسن. (۱۳۹۳). نقش مشارکت های مردمی در زمان بروز زلزله بم، فصلنامه علمی دانش انتظامی کرمان، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۴۹-۳۰.

http://kerman.jrl.police.ir/article_16537.html

عموزاد خلیلی، سجاد؛ رشیدی، احمد؛ پیردشتی، حسین. (۱۳۹۷). بررسی نقش مشارکت مردمی در بهبود عملکرد مدیریت بحران فضای شهری و عوامل موثر بر آن از منظر نظریه مشارکت اجتماعی راجرز در شهر بهشهر. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، دوره هشتم، شماره سوم، ۲۶۸-۲۵۵.

<http://dpmk.ir/article-1-200-fa.html>

عنابتانی، علی اکبر؛ خسروبیگی، رضا؛ تقی لـو، علی اکبر؛ اکبری، محمدحسن. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر میزان مشارکت مردم در نواحی روستایی: مطالعه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان جهرم، فصلنامه روستا و توسعه، موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، دوره پانزدهم، شماره اول، ۱۰۸-۸۵.

https://journals.areeo.ac.ir/article_59134.html

غضنفرپور، حسین؛ صداقت کیش، مرضیه؛ سلیمانی دامنه، مجتبی؛ صباحی گراغانی، یاسر. (۱۳۹۸). سنجش واکنش مدیران شهری در رویارویی با مخاطره محیطی سیل با تأکید بر تاب آوری (مطالعه موردی: شهر جیرفت). جغرافیا و پایداری محیط، دانشگاه رازی، دوره ۹، شماره ۳۰، صص ۱۲۷-۱۰۷.

https://ges.razi.ac.ir/article_1066.html

فیروزپور، آرمین؛ دارایی، مسعود؛ سعدآبادی، علی اصغر. (۱۳۹۵). الگوسازی رابطه میان رویکرد قابلیت و رویکرد اجتماع محور مدیریت بحران، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دوره ۸، شماره ۲۵، ۹-۲.

http://www.joem.ir/article_1402.html

روشندل اربطانی، طاهر؛ پورعزت، علی اصغر؛ قلی پور، آرین. (۱۳۸۸). تدوین الگوی جامع مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت، فصلنامه دانش انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین، سال دهم، شماره ۲، صص ۸۰-۶۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=105407>

زربین، جلیل. (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد مدیریت بحران زلزله بوشهر (شهر شنبه). فصلنامه مدیریت بحران، دانشگاه جامع امام حسین، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۵.

https://cmj.ihu.ac.ir/article_205191.html

ساعی، علی؛ بدری، علی؛ کاظمی، نسرين؛ تاجیک، فائزه. (۱۳۹۳). تحلیل مولفه های موثر بر مشارکت زنان در چرخه ی مدیریت بحران شهر تهران. نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، دانشگاه خوارزمی، دوره اول، شماره سوم، صص ۲۸-۱۳.

<https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/540115>

صداقت، مهدی؛ مهرنیا، رضا؛ بزرگر، صادق؛ زنگی آبادی، محمدعلی. (۱۳۹۵). تأثیر مخاطره آمیز کاهش سطح تاغ زارهای اطراف شهر کرمان بر تشکیل کانون های ریزگرد؛ مدیریت مخاطرات محیطی، دانشگاه تهران، دوره سوم، شماره ۳، صص ۲۱۰-۱۹۹.

https://jhsci.ut.ac.ir/article_61931.html

ظفری، حسین؛ ویسی، حسین. (۱۳۹۱). واكاي عوامل موثر در جلب مشارکت مردمی به منظور کاهش ریسک سوانح طبیعی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، پژوهشکده سوانح طبیعی، دوره ۳۰، شماره ۱۳۵، صص ۱۰۵-۱۲۰.

<https://jhre.ir/article-1-206-fa.html>

عاشوری، امیر؛ خیاطیان، محمد؛ فرزادی، محسن. (۱۳۹۷). بررسی نقش جامعه محوری در مدیریت بحران، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی جهان اسلام.

<https://civilica.com/doc/776575/>

عرب، علیرضا؛ حسینی دهشیری، جلال الدین؛ نصیری، عباس. (۱۳۹۵). ارائه مدل کارمندیابی مبتنی بر روش تصمیم گیری چندمعیاره ترکیبی سوارا و آراس (مطالعه موردی: شرکت مادر تخصصی توانیر)، فصلنامه مهندسی تصمیم، دانشگاه خوارزمی، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۴۷-۱۶۹.

موهبتی، زهان؛ یعقوبی، نورمحمد؛ محمدی، محمودزاده، و اشان. (۱۳۹۹). طراحی الگوی مرحله‌ای مدیریت بحران با رویکرد ظرفیت‌سازی جوامع محلی با استفاده از روش فراترکیب، مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، دوره دوازدهم، شماره ۲، صص ۱۷۵-۲۰۳.

<https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/735237>

مهديه، امید. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر مشارکت مردمی بر عملکرد مدیریت بحران. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، دوره دهم، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۲۶.

<http://dpmk.ir/article-1-328-fa.html>

نوراللهی، بابک (۱۳۹۲)؛ نقش مشارکت مردمی در مدیریت بحران (با نگاهی به رویکرد مدیریت شهری تهران در جلب مشارکت مردمی). پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران‌های طبیعی، تهران.

<https://civilica.com/doc/252368/>

Ai, A. L., Richardson, R., Plummer, C., Ellison, C. G., Lemieux, C., Tice, T. N., & Huang, B. (2013). Character strengths and deep connections following Hurricanes Katrina and Rita: Spiritual and secular pathways to resistance among volunteers. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 52(3), 537-556.

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/jssr.12043>

Aijazi, O., & Panjwani, D. (2015). Religion in Spaces of Social Disruption: Re-Reading the Public Transcript of Disaster Relief in Pakistan. *International Journal of Mass Emergencies & Disasters*, 33(1), 95-110.

https://hcommons.org/deposits/view/hc:23740/CONTENT/religion_in_spaces_of_social_disruption3.pdf/

Ajami, S., & Fattahi, M. (2009). The role of earthquake information management systems (EIMSs) in reducing destruction. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 18(2), 150-161.

<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/09653560910953225/full/html>

Allen, K. M. (2006). Community-based disaster preparedness and climate adaptation: local capacity-building in the Philippines. *Disasters*, 30(1), 81-101.

http://ums.srbiau.ac.ir/?_action=articleInfo&article=9403&lang=fa

قلی‌گله، نریمان (۱۳۹۷). بررسی نقش و ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت سیلاب شهری، ششمین کنفرانس جامع مدیریت و مهندسی سیلاب. تهران.

<https://civilica.com/doc/815938/>

کریمی، خدیجه؛ ریاحی، وحید؛ عزیزپور، فرهاد؛ تقی‌لو، علی‌اکبر (۱۳۹۶). نقش مدیریت بحران در دگرگونی فضایی سکونتگاهی روستایی، مورد مطالعه: شهرستان ارومیه، فصلنامه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، دانشگاه خوارزمی، دوره دوم، شماره چهارم، صص ۸۷-۱۰۶.

<http://ensani.ir/fa/article/377708>

کریمی، خدیجه؛ تقی‌لو، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). مدیریت بحران اجتماع‌محور، راهی به سوی توسعه پایدار. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، دوره دهم، شماره ۱، صص ۶۱-۴۵.

<https://www.magiran.com/paper/2123306>

محمدی فر، یوسف؛ اعظمی، محسن؛ فیض‌آقایی، پریا (۱۳۹۹). طراحی مدل بومی مدیریت بحران سوانح گسترده طبیعی (مورد مطالعه: زلزله کرمانشاه). فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، دوره دهم، شماره دوم، صص ۱۷۶-۱۶۳.

<https://dpmk.ir/article-1-341-fa.html>

مختاری، هادی؛ قربانی، زهرا. (۱۳۹۷). امکان‌سنجی و بهینه‌سازی ترکیب و زمان‌بندی طرح‌های مدیریت بحران. دوفصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت بحران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، دوره هفتم، شماره ۱۳، صص ۷۳-۹۴.

http://www.joem.ir/article_33435.html

مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). سرشماری عمومی، شناسنامه آبادی‌های کشور: استان کرمان.

<http://vlib.kmu.ac.ir/kmu/handle/kmu/24327>

مطهری، زینب‌السادات؛ رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۵). تبیین مدلی به‌منظور ارتقای مدیریت خطر بحران با رویکرد اجتماع‌محور، نمونه موردی: یکی از اجتماعات تهران. فصلنامه معماری و شهرسازی، آرمان‌شهر، دوره هفدهم، شماره ۹، صص ۴۰۱-۳۸۹.

<https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/417940>

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S212420918302747>

Brassard, C. Howitt, A. M. & Giles, D. W. (2015). Confronting disaster: Recent lessons from the Asia-Pacific. In Natural Disaster Management in the Asia-Pacific (pp. 1-13). Springer, Tokyo.

https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-4-431-55157-7_1

Cannon, T. (2014). Vulnerability and disasters. The Companion to Development Studies, 351.

<https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780203528983-75/5-vulnerability-disasters-terry-cannon>

Coombs, W. T., & Laufer, D. (2019). Global crisis management—current research and future directions. Journal of International Management, 24(3), 199-203.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S107542531830379X>

Fahrudin, A. (2012). Preparing social work students for working with disaster survivors. Asian Social Work and Policy Review, 6(2), 86-94.

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1753-1411.2012.00064.x>

Falk, K. (2013). *Preparing for Disaster: A Community Based Approach*, 2nd Rev. Danish Red Cross, Copenhagen.

<https://etalpykla.lituanistikadb.lt/object/LT-LDB-0001:J.04~2016~1504876815975/>

Gaillard, J. C., & Mercer, J. (2012). From knowledge to action: Bridging gaps in disaster risk reduction. Progress in human geography, 37(1), 93-114.

<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0309132512446717>

Gianisa, A., & Le De, L. (2018). The role of religious beliefs and practices in disaster. Disaster Prevention and Management, 27(1), 74-86.

<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/DPM-10-2017-0238/full/html>

Girard, J. F., Lalande, F., Salmi, L. R., Le Boulter, S., & Delannoy, L. (2006). Rapport de la mission d'évaluation et d'expertise de la veille sanitaire en France. Doc. Fr.116-201.

<http://genet.univ-tours.fr/gen002300/DONNEES>

<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/16512863/>

Andharia, J. (2020). Blurred Boundaries, Shared Practices: Disaster Studies as an Emerging Discipline and Disaster Management as a Field of Practice. In Disaster Studies (pp. 33-76). Springer, Singapore.

<https://www.springer.com/gp/book/9789813293380>

Armitage, D. (2005). Adaptive capacity and community-based natural resource management. Environmental management, 35(6), 703-715.

<https://link.springer.com/content/pdf/10.1007/s00267-004-0076-z.pdf>

Arnold, S., Brockdorff, N., Jakovljević, I., & Zdravković, S. (2018). Applying cultural values to encourage disaster preparedness: Lessons from a low-hazard country. International journal of disaster risk reduction, 31(5), 37-44.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S212420918300554>

Azad, M. A. K., Uddin, M. S., Zaman, S., & Ashraf, M. A. (2019). Community-based disaster management and its salient features: a policy approach to people-centred risk reduction in Bangladesh. Asia-Pacific Journal of Rural Development, 29(2), 135-160.

<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1018529119898036>

Berno, T. (2017). Social enterprise, sustainability and community in post-earthquake Christchurch: Exploring the role of local food systems in building resilience. Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, 11(1), 149-165.

<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/JEC-01-2015-0013/full/html>

Bhandari, R. B. (2014). Social capital in disaster risk management; a case study of social capital mobilization following the 1934 Kathmandu Valley earthquake in Nepal. Disaster Prevention and Management, 23(4), 314-328.

<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/DPM-06-2013-0105/full/html>

Boukri, M., Farsi, M. N., Mebarki, A., Belazougui, M., Ait-Belkacem, M., Yousfi, N & Amellal, O. (2018). Seismic vulnerability assessment at urban scale: Case of Algerian buildings. International journal of disaster risk reduction, 31, 555-575.

https://hdq.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=135&sid=1&slc_lang=en

Humanson, R., & Nordeman, P. (2017). Proactive Crisis Management (PCM): Perceptions of crisis-awareness and crisis-readiness in organizations in relation with their actual strategic initiatives against industrial crises caused by human errors.

<https://www.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2:1158145>

Islam, M. R., Ingham, V., Hicks, J., & Kelly, E. (2018). From coping to adaptation: Flooding and the role of local knowledge in Bangladesh. *International journal of disaster risk reduction*, 28, 531-538.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S212420917304144>

Jahangiri, K., Izadkhah, Y. O., & Tabibi, S. J. (2011). A comparative study on community-based disaster management in selected countries and designing a model for Iran. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 20(1), 82-94.

<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/0965356111111108/full/html>

Jaques, T. (2007). Issue management and crisis management: An integrated, non-linear, relational construct. *Public Relations Review*, 33 (2), 147-157.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0363811107000185>

Jensen, A., & Aven, T. (2018). A new definition of complexity in a risk analysis setting. *Reliability Engineering & System Safety*, 171, 169-173.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0951832017304635>

Johansson, R., Danielsson, E., Kvarnlöf, L., Eriksson, K., & Karlsson, R. (2018). At the external boundary of a disaster response operation: The dynamics of volunteer inclusion. *Journal of Contingencies and Crisis Management*, 26(4), 519-529.

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/1468-5973.12228>

Kaewkitipong, L., Chen, C. C., & Ractham, P. (2016). A community-based approach to sharing knowledge before, during, and after crisis events: A case study from Thailand. *Computers in Human Behavior*, 54, 653-666.

Gundel, S. (2005). Towards a new typology of crises. *Journal of contingencies and crisis management*, 13(3), 106-115.

[https://www.theisrm.org/documents/Gundel%20\(2005\)%20Towards%20a%20New%20Topology%20of%20Crises.pdf](https://www.theisrm.org/documents/Gundel%20(2005)%20Towards%20a%20New%20Topology%20of%20Crises.pdf)

Gupta, A. K., Suresh, I. V., Misra, J., & Yunus, M. (2002). Environmental risk mapping approach: risk minimization tool for development of industrial growth centres in developing countries. *Journal of Cleaner Production*, 10(3), 271-281.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0959652601000233>

Haque, C. E., & Uddin, M. S. (2013). Disaster management discourse in Bangladesh: a shift from post-event response to the preparedness and mitigation approach through institutional partnerships. In *Approaches to Disaster Management-Examining the Implications of Hazards, Emergencies and Disasters*. IntechOpen. 103-117.

<https://www.intechopen.com/books/approaches-to-disaster-management-examining-the-implications-of-hazards-emergencies-and-disasters/disaster-management-discourse-in-bangladesh-a-shift-from-post-event-response-to-the-preparedness-and>

Hermann, C. F. (1963). Some consequences of crisis which limit the viability of organizations. *Administrative science quarterly*, 61-82.

<https://www.jstor.org/stable/2390887>

Hossain, M. A. (2012). Community participation in disaster management: role of social work to enhance participation. *Sociology*, 21(12), 159- 171.

<http://www.antrocom.net/upload/sub/antrocom/090113/16-Antrocom.pdf>

Hosseini, S. A., Hosseini, O., Hamghadam, N., Zahmatkesh, E., & Delbari, S. (2013). Indigenizing of Response Indexes in Crisis Management in Iran: Case Study: Rasht City. *Singaporean Journal of Business, Economics and Management Studies*, 51(1114), 1-19.

<https://platform.almanhal.com/Files/Articles/44888>

Hosseini, S. H., Amanat, N., Ghanbari, V., Nakhaee, M., Abbasabadi, M., Najafi, M., ... & Pashaei Sabet, F. (2017). Community-Based Management Challenges in Disaster Risk Reduction: A Content Analysis in Iran. *Health in Emergencies and Disasters*, 2(2), 63-70.

- information on historic natural disasters to risk communicators and the general public. *Umweltinformationssysteme 2018 Umweltdaten- in allen Dimensionen und zu jeder Zeit?*, 1(29), 197-208.
- <http://ceur-ws.org/Vol-2197/paper15.pdf>
- kumari, K., & Sabitha, P. (2015). Awareness of Disaster Management: An Exploration among Secondary School Students of Kerala Based on their Gender, Locale and Experience. *Guru Journal of Behavioural and Social Sciences*, 3(2), 382-388.
- <http://ir.oauife.edu.ng:8080/handle/123456789/7007>
- Lauder, D., & Perry, C. (2014). A study identifying factors influencing decision making in dynamic emergencies like urban fire and rescue settings. *International Journal of Emergency Services*.
- <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/IJES-06-2013-0016/full/html>
- Lee, D. W. (2020). An exploratory assessment of infrastructure resilience to disasters. *International journal of disaster resilience in the built environment*, 11(4), 519-533.
- <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/IJDRBE-02-2019-0006/full/html>
- Lizarralde, G., Páez, H., Lopez, A., Lopez, O., Bornstein, L., Gould, K., ... & Munoz, L. (2020). We said, they said: the politics of conceptual frameworks in disasters and climate change in Colombia and Latin America. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 29(6), 909-928.
- <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/DPM-01-2020-0011/full/www.oddebat.com>
- Magis, K. (2010). Community resilience: An indicator of social sustainability. *Society and Natural Resources*, 23(5), 401-416.
- <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/08941920903305674>
- Mal, S., Singh, R. B., Huggel, C., & Grover, A. (2018). Introducing linkages between climate change, extreme events, and disaster risk reduction. In *Climate change, extreme events and disaster risk reduction* (pp. 1-14). Springer, Cham.
- https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-56469-2_1
- Mallick, B., Rubayat Rahaman, K. and Vogt, J. (2011). Social vulnerability analysis for <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0747563215300753>
- Kalanda-Joshua, M., Ngongondo, C., Chipeta, L., & Mpembeka, F. (2011). Integrating indigenous knowledge with conventional science: Enhancing localised climate and weather forecasts in Nessa, Mulanje, Malawi. *Physics and Chemistry of the Earth, Parts A/B/C*, 36(14-15), 996-1003.
- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1474706511001902>
- Kangabam, R. D., Panda, P. C., & Kangabam, M. (2012). Disaster preparedness among the resident community-a case study of Rajiv Gandhi University, Itanagar, India. *International Journal of environmental sciences*, 2(3), 1632-1642.
- <https://www.indianjournals.com/ijor.aspx?target=ijor:ijes&volume=2&issue=3&article=046>
- Kash, T. J., & Darling, J. R. (1998). Crisis management: prevention, diagnosis and intervention. *Leadership & Organization Development Journal*, 19(4), 179-186.
- <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/01437739810217151/full/html>
- Keršulienė, V., & Turskis, Z. (2016). Integrated fuzzy multiple criteria decision making model for architect selection. *Technological and economic development of economy*, 17(4), 645-666.
- <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.3846/20294913.2011.635718>
- Keršulienė, V., Zavadskas, E. K., & Turskis, Z. (2010). Selection of rational dispute resolution method by applying new step-wise weight assessment ratio analysis (SWARA). *Journal of business economics and management*, 11(2), 243-258.
- <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.3846/jbem.2010.12>
- Khan, M. R., & Rahman, M. A. (2007). Partnership approach to disaster management in Bangladesh: a critical policy assessment. *Natural Hazards*, 41(2), 359-378.
- <https://link.springer.com/article/10.1007%252Fs11069-006-9040-y>
- Klafft, M., Dudzińska-Jarmolińska, A., Harari, I., Bustos, R. G., Duarte, S. B., & Morrobel, T. (2018). A citizen science approach using information systems to provide qualitative

- <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9780203836910/managing-adaptation-climate-risk-geoff-brien-phil-keefe>
- Ostadtaghizadeh, A., Ardalan, A., Paton, D., Jabbari, H., & Khankeh, H. R. (2015). Community disaster resilience: A systematic review on assessment models and tools. *PLoS currents*, 7.
- <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/pmc4395373/>
- Parsizadeh, F., Ibrion, M., Mokhtari, M., Lein, H., & Nadim, F. (2015). Bam 2003 earthquake disaster: On the earthquake risk perception, resilience and earthquake culture—Cultural beliefs and cultural landscape of Qanats, gardens of Khorma trees and Argh-e Bam. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 14(1), 457-469.
- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S212420915300868>
- Patterson, O., Weil, F., & Patel, K. (2010). The role of community in disaster response: conceptual models. *Population Research and Policy Review*, 29(2), 127-141.
- <https://link.springer.com/article/10.1007/s11113-009-9133-x>
- Pongponrat, K., & Ishii, K. (2018). Social vulnerability of marginalized people in times of disaster: Case of Thai women in Japan Tsunami 2011. *International journal of disaster risk reduction*, 27, 133-141.
- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S21242091730287X>
- Robat Mili, R., Amini Hosseini, K. and Izadkhan, Y.O. (2018). Developing a holistic model for earthquake risk assessment and disaster management interventions in urban fabrics *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 27, 355-365.
- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S212420917303229>
- Rosenthal, U., Charles, M. T., & Hart, P. T. (Eds.). (1989). *Coping with crises: The management of disasters, riots, and terrorism*. Charles C Thomas Pub Limited, 21(3), 32-47.
- <https://www.amazon.com/Coping-Crises-Management-Disasters-Terrorism/dp/0398055971>
- Roy, S., Pal, P. K., & Pradhan, K. (2014). Awareness of rural youth towards disaster management: A gender disintegrated study. *Age*, 22(24.86), 2-26.
- sustainable disaster mitigation planning in coastal Bangladesh. *Disaster Prevention and Management: an International Journal*, 20, 220-237.
- <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/09653561111141682/full/html>
- Marsh, G., & Buckle, P. (2001). Community: the concept of community in the risk and emergency management context. *Australian Journal of Emergency Management*, The, 16(1), 5-7.
- <https://search.informit.org/doi/abs/10.3316/informit.368652743556652>
- Marskole, P., Mishra, A., Kumar, P., Gaur, P., Aharwar, P., Patidar, P., & Shejwar, P. (2018). A study to assess awareness on disaster management among school going children in Gwalior (MP). *International Journal of Community Medicine and Public Health*, 5(4), 1371-1375.
- <https://dergipark.org.tr/en/pub/afet/issue/40112/454340>
- Mathbor, G. M. (2007). Enhancement of community preparedness for natural disasters: The role of social work in building social capital for sustainable disaster relief and management. *International Social Work*, 50(3), 357-369.
- <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0020872807076049>
- MG, K. (2018). The Impact of Strategic Planning on Crisis Management Styles in the 5-Star Hotels. *Journal of Hotel & Business Management*, 7(1), 1-9.
- http://www.eeer.ir/article_69402.html
- Moe, T. L., & Pathranarakul, P. (2006). An integrated approach to natural disaster management: public project management and its critical success factors. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 15(3), 396-413.
- <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/09653560610669882/full/html>
- Mousavi, S. R., Rashedi, H., & Nabi Bidhendi, G. (2018). Role of crisis management in reducing socio-psychological vulnerabilities after natural disasters (case study: citizens of Bam city). *Environmental Energy and Economic Research*, 2(3), 187-196.
- http://www.eeer.ir/article_69402.html
- O'Brien, G., & O'keefe, P. (2013). *Managing adaptation to climate risk: Beyond fragmented responses*. Routledge.

- Uekusa, S. (2017). Social vulnerability in disasters: Immigrant and refugee experiences in Canterbury and Tohoku. In *Recovering from catastrophic disaster in Asia*. Emerald Publishing Limited, 18(1), 127-144.
- https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/S2040-726220160000018006/full/html?utm_source=TrendMD&utm_medium=cpc&utm_campaign=Community%252C%20Environment%20and%20Disaster%20Risk%20Management%20TrendMD_0
- Ulezi, N., & Jackson, A. (2010). Cultural competence in crisis intervention. *Journal of Safe*, 11(4), 110-121.
- <https://www.crisisprevention.com/Blog/Cultural-Competence-in-Crisis-Intervention>
- Unlu, A., Kapucu, N., & Sahin, B. (2010). Disaster and crisis management in Turkey: a need for a unified crisis management system. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 19(2), 155-174.
- <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/09653561011037977/full/html>
- Vardarlier, P. (2016). Strategic approach to human resources management during crisis. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 235, 463-472.
- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042816315919>
- Wojciechowicz, W., Zych, J., & Hołubowicz, W. (2012). Information and communication technology and crisis management. *Technical Sciences/University of Warmia and Mazury in Olsztyn*, 101-110.
- <http://yadda.icm.edu.pl/baztech/element/bwmeta1.element.baztech-article-BAR0-0068-0034>
- Yeo, J., Li, H., Shin, Y. A., & Haupt, B. (2017). Cultural approach to crisis management. *Global encyclopedia of public administration, public policy, and governance*, 3(28), 1-4.
- https://www.researchgate.net/profile/Jungwon-Yeo/publication/318761293_Cultural_Approach_to_Crisis_Management/links/599baecf0f7e9b892bad2089/Cultural-Approach-to-Crisis-Management.pdf
- <https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.1046.6872&rep=rep1&type=pdf>
- Sarkar, S. K., Begum, R. A., Pereira, J. J., & Jaafar, A. H. (2013, August). Addressing disaster risk reduction in Malaysia: Mechanisms and responds. In *2nd International Conference on Environment, Agriculture and Food Sciences*, 2(11), 81-85.
- https://www.academia.edu/download/52915693/Addressing_disaster_risk_reduction_in_Malaysia_mechanisms_and_responds.pdf
- Schneiderbauer, S., & Ehrlich, D. (2004). Risk, hazard and people's vulnerability to natural hazards. A review of definitions, concepts and data. *European Commission Joint Research Centre*. EUR, 21410, 40.
- https://www.researchgate.net/profile/S-Schneiderbauer/publication/268149143_Risk_Hazard_and_People's_Vulnerability_to_Natural_Hazards_a_Review_of_Definitions_Concepts_and_Data/links/55e6916308aebdc0f58bb763/Risk-Hazard-and-Peoples-Vulnerability-to-Natural-Hazards-a-Review-of-Definitions-Concepts-and-Data.pdf
- Sharma, S. (2010). Climate change impact on livelihood and vulnerability: a case study of mushar community in saptari district in Nepal (Doctoral dissertation, BRAC University).
- <http://dspace.bracu.ac.bd/xmlui/handle/10361/1396>
- Son, N. T., & Thanh, B. X. (2018). Decadal assessment of urban sprawl and its effects on local temperature using Landsat data in Cantho city, Vietnam. *Sustainable cities and society*, 36, 81-91.
- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2210670717308958>
- Tokakis, V. Polychroniou, P. & Boustras, G. (2019). Crisis management in public administration: The three phases model for safety incidents. *Safety science*, 113, 37-43.
- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0925753518310117>
- Tulghan., & Özgür, H. (2016). Natural Disaster Governance: Barriers For Turkey. *European Scientific Journal*. 12(10), 112-121.
- <https://www.academia.edu/download/46299975/makalemiz.pdf>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی